



فهرست مطالب

- ۲ در حاشیه انتشار بیانیه در مورد جزایر سه گانه
- ۳ درس بگیریم و نه «الگو».....
- ۴ تجمع بازنشستگان در چند شهر ایران علیه وضعیت بد معیشتی.....
- ۵ یادداشتی در مورد کالائی شدن آموزش.....
- ۶ پنجاه و ششمین سالگرد پایه گذاری تشکیلات توفان مبارک باد.....
- ۷ «ناتو» بزرگ ترین خطر برای صلح جهانی.....
- ۷ علل افزایش ۲۸ درصدی مرگ ناشی از حوادث کار.....
- ۸ در جبهه نبرد طبقاتی اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری در تیرماه ۱۴۰۲.....
- ۱۲ چرا ترس، چرا ناامنی، چرا حماقت، چرا حرص و طمع و خودخواهی؟.....
- ۱۲ ۶۱ کولبر در ۶ ماه اخیر جانباخته اند.....
- ۱۳ نقدی بر «منشور مطالبات حداقلی تشکل‌های مستقل صنفی و مدنی ایران» (بخش پنجم).....
- ۱۵ شکست اپوزیسیون سرسپرده به امپریالیسم!.....
- ۱۶ دغل بازی و دورویی شیوه متداول رسانه‌های غربی.....
- ۱۸ جنون تسلیحاتی.....
- ۱۹ چند کلام پیرامون «اصلاح طلبان» و ائمه جمعه و جماعات!.....
- ۲۱ سخنان عجیب یک بانکدار:.....
- ۲۲ بیانیه در محکومیت حملات ارتش صهیونیستی به اردوگاه جنین.....
- ۲۳ رشد راسیسم و فاشیسم در آلمان.....
- ۲۴ سوئد قرآن سوزی را به دلیل عضویت در ناتو و باج دادن به «اردوغان» ممنوع می کند و نه.....
- ۲۵ بیانیه کمیته صلح سوئد در مورد اسلام هراسی و آتش زدن، قران کتاب مقدس مسلمانان.....
- ۲۶ به مناسبت ششمین سالگرد درگذشت رفیق «مهپاره آهنی».....
- ۲۶ پیام حزب کار ایران (توفان) به ششمین کنگره حزب کارگران تونس، حزب العمال - تونس.....
- ۲۷ بیانیه حزب کمونیست کارگران فرانسه در مورد قتل یک جوان فرانسوی توسط پلیس.....
- ۲۸ ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده.....
- ۲۹ گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش.....
- ۳۱ پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام.....



در حاشیه انتشار بیانیه در مورد جزایر سه گانه

«باز هم خنجر از پشت»؟!

گفتند. البته ایران هم مدتی پیش اظهارنظری برخلاف نظر روسیه، مبنی بر عدم قبول مالکیت این کشور بر جزیره کریمه کرده بود، که آب از آب هم تکان نخورد. روشن است مناسبات راهبردی ایران و روسیه معنی‌اش این نیست که این دو کشور هیچ اختلافی نباید با هم داشته باشند، اما واقعیت امر این است که نه ایران مستعمره روسیه است و نه روسیه مستعمره ایران. این مزخرفات محلی از اعراب ندارد. برای مخالفان همکاری با شرق خنجرهای ۱۰۰ ساله آمریکا و انگلیس به ایران برایشان از عسل هم شیرین تر است.

لازم به یاد آوری است که پس از سفر استانی احمدی‌نژاد به جزیره «ابوموسی»، «باراک اوباما»، رئیس جمهوری آمریکا در رابطه با جزایر سه گانه، اتخاذ موضع کرد. بنابر این دخالت آمریکا در دوران «اوباما» بیش تر به خاطر ایجاد تنش در منطقه و فشار به ایران بر سر مسئله «برجام» انجام گرفت و امر جدیدی در عرصه دیپلماتیک نیست. از اینرو «اوباما» با «محمد بن زاید آل نهیان»، ولیعهد ابوظبی بیانیه مشترکی را مبنی بر دفاع از خواست امارات جهت حل اختلاف بر سر جزایر سه گانه با ایران در مقابل دادگاه بین‌المللی لاهه امضاء کرد. در آن زمان گویا به ناموس اصلاح‌طلبان و غرب‌گرایان کنونی میهن ما تجاوزی صورت نگرفته بود. این عده تجاوز امپریالیسم آمریکا را به جان می‌خرند. ورود آمریکا به مسئله اختلاف بر سر جزایر سه گانه، خواست کشورهای «شورای همکاری خلیج فارس» بود، زیرا آمریکا که بیش از هر کشور دیگری در این منطقه حضور نظامی دارد، طبیعی است که دست به دامن وی شوند و او نیز با طیب خاطر به خواست‌های آنها لبیک گوید. همان زمان نیز وزارت امور خارجه ایران علیه مذکور موضع گرفت و آن را رسماً دخالت در امور داخلی ایران ارزیابی کرد، ولی این موضع‌گیری در تبلیغات غرب‌پرستانه شرق‌ستیزان تأثیری نداشت و این دخالت سلطه‌گرانه آمریکا در کنار سایر جنایات‌اش علیه منافع ملی کشور ما در مغزهای محدود و کوچک غرب‌گرایان «»

پس از نشست شورای همکاری خلیج فارس و روسیه بیانیه مشترکی صادر گردید؛ در بخشی از این بیانیه چند نکته تکراری در خصوص جزایر سه گانه ایرانی بار دیگر مطرح شده بود. این نکات قبلاً نیز در بیانیه مشابه و مشترکی به صورت جداگانه در دوره ریاست جمهوری «باراک اوباما» و دولت چین نیز صادر شده بود. اما این بار نیز با توجه به فضای روسیه‌ستیزی و در مخالفت با سیاست گردش به شرق حاکمیت، اصلاح‌طلبان از قدرت‌رانده فرصت را نیز معتمن شمردند و حملات بیمارگونه‌ای را تحت لوای «ایران‌دوستی و میهن‌دوستی» علیه روسیه نشانه گرفتند. در همین رابطه «سهام نیوز» مطلب بلندبالایی را علیه روسیه و چین و «پیمان شانگهای» در فردای بیانیه مشترک روسیه، انتشار داد و نوشت:

«روسیه و چین بر سر عضویت ایران در پیمان شانگهای سر و صدای زیادی کردند، حال آنکه این پیمان شانگهای حتی اندازه پیمان اکو هم به ایران کمک نخواهد کرد، روسیه و چین ضربه‌هایی به ایران زدند که آمریکا هیچ‌گاه نزد. نمونه‌اش اینکه آمریکا هیچگاه از ادعای امارات حمایت نکرد و هیچ بیانیه مشترکی با امارات و شورای همکاری خلیج فارس در حمایت از ادعای امارات منتشر نکرد.»

در مورد بیانیه جزایر سه گانه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس حملات به روسیه و همکاری با این کشور بالا گرفت و تیتیر «خنجر از پشت» در صفحه اول روزنامه‌های اصلاح‌طلبان زده شد و یکصد از مستعمره‌شدن ایران و «خیانت» روسیه سخن



درس بگیریم ونه «الگو»

با انتشار فیلمی در شبکه‌های مجازی، که معلوم نیست در پس آن کدام دستگاه امنیتی کشور فعال است، دوباره به مردم کوچه و خیابان، بویژه زنان میهن ما، گیر داده‌اند. در پایان این فیلم جمله‌ای به نمایش گذاشته می‌شود به این معنی: «الگو بگیریم». صحیح این می‌بود که می‌نوشتند درس بگیریم؛ درس بگیریم از اشتباهات و خطاهای ۴ دهه فشار و سرکوب بر زنان ایران، این بخش مهم و عظیم مولد جامعه. وقتی از نیروی مولد صحبت می‌کنیم، منظور نیروی کاریدی و فکری جامعه است؛ چه آن زنانی که در کارخانه‌ها و مراکز تولیدی مشغول‌اند و چه آن بخش از زنان روستائی که در کشتزارها و مراتع به کشاورزی و دامداری می‌پردازند و چه آن بخش از زنانی که در تولید علم در مراکز آکادمیک / دانشگاهی و تحقیقاتی در پیشرفت و توسعه ایران سهمی قابل تأمل و جدی از آن خود کرده‌اند؛ همچنین در عرصه‌های ورزشی، فرهنگی و هنری ما شاهد حضور پررنگ زنان هستیم. می‌بینیم که زنان در کنار مردان در تولید دانش و نعم مادی جامعه فعالند و روند رو به رشد آن را نه جمهوری اسلامی می‌تواند کند یا از حرکت بازدارد و نه اینکه امپریالیسم قادر است با تحریمات و تهدیدات جلوی پیشرفت و تعالی آن را بگیرد، امری که در صورت موفقیت بدون تردید منافع امپریالیسم تأمین و تضمین خواهد شد. لذا زنان ما از دو سوی زیر فشارند و نکته مهم و اساسی برجسته کردن و تفهیم عموم به این مسأله است که باید با هشیاری هر چه بیش‌تر در خصوص مسأله حجاب و رابطه آن با امر معیشت جامعه، این مهم‌ترین دغدغه جامعه ما، با عقلانیت برخورد کرد.

با انتشار این فیلم روزنامه «فرهیختگان» تیتراژ: «پوست موز را ببینید» و از آن به عنوان به انحراف کشاندن مطالبات اجتماعی یاد کرد. به نظر می‌رسد درست درک کرده باشند. چرا که

«جائی نیافت.»

در همان دوران بود که امارات متحده عربی مناسبات نظامی و اقتصادی خود را با آمریکا گسترش داد و مشتری سلاح‌های پیشرفته این کشور شد. آنچه در شرایط کنونی و عرصه کلان سیاست حائز اهمیت است و باید آن را مد نظر قرار داد، حمایت روسیه از ایران و پذیرفته شدن ایران به طور رسمی در «پیمان شانگهای» است. پیش‌تر ایران در پیمان «اورآسیا» نیز پذیرفته شده بود. درخواست عضویت ایران در پیمان «بریکس» نیز به ویژه با حمایت روسیه در جریان است و این امر نیز متحقق خواهد شد. اهمیت عضویت ایران با جایگاه ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک ویژه در این پیمان‌ها، آن هم در فضای برآمد چندجانبه‌گرایی به‌ویژه پس از آغاز عملیات ویژه روسیه در اوکراین را به هیچ‌وجه نمی‌توان دست کم گرفت. طبیعی است که رهبران غرب، رسانه‌های آنها و وابستگان و مزدوران آنها در ایران از این تغییر فضا ناراضی باشند و همه تلاش خود را برای ممانعت از توسعه نقش روسیه و چین در تحولات غرب آسیا در مسیر تقویت چندجانبه‌گرایی به‌کارگیرند. تلاش مهندسی‌شده برای ایجاد بی‌اعتمادی و تنش در روابط بین ایران با چین و روسیه، در این راستا صورت می‌گیرد و ایرانیان میهن‌دوستی، که حق دارند منتقد بخشی از بیانیه مسکو باشند، نباید در دام این هیاهو بیافتند. به دیده‌ما در دورانی که قدرقدرتی امپریالیسم آمریکا به دلایل گوناگون رو به افول است، ارزیابی درست از ماهیت رقابت وی با چین و روسیه، که در پی دنیای چندقطبی و تضعیف امپریالیسم آمریکا هستند در الویت و اهمیت برای درک سیاسی جهان کنونی قرار دارد. با شناختی که از رقابت‌های امپریالیستی - که باعث دو جنگ جهانی شد - در دست است، بدون تردید خطر درگیری نظامی و شعله‌ور شدن جنگ سوم جهانی در کوران این رقابت‌ها، منتفی نیست. یکی از نشانه‌های بارز آن نیز گسترش میلیتاریسم افسارگسیخته آمریکا و کشورهای عضو ناتو است. بی‌جهت نیست که آمریکا برای سال ۲۰۲۳ بودجه‌ای معادل ۸۵۸ میلیارد دلار در نظر گرفته است. حتی پیش‌بینی می‌شود که این رقم برای سال ۲۰۲۴ تا بیش از ۹۰۰ میلیارد افزایش یابد. کمک‌های نظامی و امنیتی برای پیشبرد جنگ نیابتی در اوکراین و احتمالاً در تایوان تا ۱۰ میلیارد دلار در نظر گرفته شده که در بودجه مذکور لحاظ نشده است.

در خاتمه اینکه ایران برای رسیدن به ثبات درونی چاره‌ای جز تغییر و تجدیدنظر در سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، از جمله احترام به آزادی‌های فردی از جمله لغو «حجاب اجباری»، پذیرش «آزادی احزاب»، «سندیکاها» و نیز قطع دست دزدها و دزدی‌ها و رانت‌خواری‌ها و افزایش درآمد اقشار و طبقات فرودست جهت همراه کردن همه اقشار و طبقات مردم در این برهه حساس تاریخی، که شکل‌گیری قطب‌بندی‌های جدید را رقم می‌زند و گرایش به شرق یکی از شروط اساسی آن است، ندارد. پیمودن چنین مسیری در عین حال موثرترین دارو برای خنثی کردن ماشین تبلیغاتی غرب و غرب‌گرایان ریز و درشت وطنی به شمار می‌آید.*

تجمع بازنشستگان در چند شهر ایران علیه وضعیت بد معیشتی

امروز، یکشنبه ۲۵ تیرماه، بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای تهران، اصفهان، اهواز، شوش، کرمانشاه و رشت در برابر ساختمان اداره تأمین اجتماعی شهرهای خود علیه وضعیت بد معیشتی دست به تجمع زدند.

یکی از خواسته‌های اصلی بازنشستگان «اجرای همسان‌سازی» بوده است. «دولت رئیسی» سال گذشته در مصوبه‌ای میزان افزایش حقوق بازنشستگان متوسط‌بگیر را ۱۰ درصد اعلام کرد. این مغایر تصمیم «شورای عالی کار» و ۲۸ درصد پایین‌تر از رقم مورد توافق بود. پیش از این، «شورای عالی کار» با افزایش ۳۸ درصدی حقوق متوسط‌بگیران و سایر سطوح موافقت کرده بود. در آن زمان «علی اکبر عیوضی»، عضو هیئت مدیره کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران، در اینباره گفته بود: «اقدام دولت در تصویب ۱۰ درصد افزایش حقوق برای انبوه متوسط‌بگیران نزدیک به حد اقل است و آنرا «بدعت» و «بی‌قانونی بی‌سابقه» توصیف کرد. در یک دهه گذشته اعتراضات صنفی در ایران شدت گرفته است و بازنشستگان معترض به طور مستمر تجمعاتی برگزار کرده‌اند.

شعارهای بازنشستگان در تجمعات امروز:

- « بازنشسته می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد!
- « فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون!
- « تورم دلاریه، حقوق مان ریالیه!
- « خط فقر ۳۰ میلیون!

لارم به یاد آوری است در تجمع اهواز باز هم عده‌ای فرصت را مغتنم شمردند و شعار آمریکائی‌پسند و ارتجاعی «دشمن ما همینجاست، دروغ‌میگن آمریکاست» را سردادند و برخی از نهادهای مدعی دفاع از حقوق کارگر هم همین شعار انحرافی و بودار را بدون هیچ توضیحی در سایت‌های خود بازتاب دادند. اگر امریکا دشمن مردم ایران نیست، پس حتماً دوست مردم ایران است و ملت ایران صمیمانه از هزاران فقره تحریم اقتصادی، که امریکا در خلال دهه‌های اخیر اعمال کرده است، استقبال می‌کند؟! چنین شعاری یا توسط عناصر نفوذی و مخرب، که سرنخشان در دست بیگانگان است، دمیده می‌شود، یا از سر نادانی و جهالت و در هر حالت باید با آن برخورد جدی کرد تا اعتراض برحق بازنشستگان مورد سو استفاده نیروهای ارتجاعی قرار نگیرد.

بی‌تفاوتی در مقابل انحرافات که در تجمعات مطالباتی و دمکراتیک بروز می‌کند، مورد بهره‌برداری رژیم در سرکوب این اعتراضات قرار خواهد گرفت. هوشیار باشیم آگاهانه از حقوق بازنشستگان دفاع کنیم و در تعمیق و پاکیزگی آن بکوشیم!*

نظام بر روی قوانین بازار (رابطه کار و سرمایه) هیچ کنترل ندارد و سرمایه‌داری نتولیرال هر روز وقیح‌تر و مصمم‌تر به حقوق جامعه تولیدی زنان و مردان کشورمان تعرض می‌کند. در این میان هیچ مرجع قانونی نه اراده‌ای از خود نشان می‌دهد و نه اینکه قادر است در قبال سرمایه افسارگسیخته قد علم کند. مطالبات واقعی مردم، مطالبات مادی هستند، با معیشت روزانه آنها در ارتباط است. هنگامی که حاکمیت ناتوان باشد از تأمین معیشت اکثریت جامعه، طبیعی است که مشغول کردن مردم و گیردادن به «حجاب» زنان ابزار مناسبی است برای کنترل و سرکوب اعتراضات آنها و این دقیقاً آن دامی است که رژیم بر سر راه زنان ما نهاده است و متأسفانه بسیاری در آن گرفتار آمده‌اند. نتیجه اینکه مسأله حجاب تبدیل شده است به مهم‌ترین مسأله جامعه به نحوی که حل مسائل دیگر در گروی حل مسأله «حجاب» است. زنان و مردان باید رژیم را وادار کنند تا در زمین مطالبات جامعه زحمتکش از خود واکنش نشان دهد. طرح مطالبات معیشتی (مبارزه با تورم، گرانی، احتکار و اجرای تثبیت قیمت کالاها، مصرفی و...؛ ایجاد اشتغال و تضمین کار؛ امنیت شغلی؛ لغو قراردادهای سفید امضا؛ ایجاد سندیکاها، مستقل کارگری و اتحادیه‌ها؛ مبارزه با روند مولدسازی و خصوصی‌سازی‌ها؛ به زیر کنترل درآوردن بازار و جلوگیری از هرج و مرج؛ تأکید بر صیانت از منافع ملی و ممانعت از عدم مداخلات خارجی در امور داخلی مردم؛ آزادی بیان، مطبوعات و احزاب و غیره...؛ آزادی فعالین کارگری، معلمین و روشنفکرانی که بخاطر حقوق صنفی سندیکائی و طرح مطالبات دمکراتیک در زندان گرفتارند و...) اینها به عنوان نمونه مطالباتی هستند که همه اقشار مختلف جامعه را دربرمی‌گیرند و اینجاست که رژیم باید در زمین مطالباتی مردم از خود واکنش نشان دهد و دست به اقداماتی بزند. البته اگر جنبش مطالباتی مردم بخواهد ره به جایی ببرد، الزاماً به تشکیلات، سازمان و همبستگی طبقاتی نیاز دارد و در همین روند است که رهبران برجسته و مورد اعتماد واقعی مردم حضور و ظهور می‌یابند. تاریخ ایران نشان داده است رژیمی که نخواهد از خطاهای سیاسی‌اش درس بگیرد، به همان جایی پرتاب خواهد شد که رژیم «محمد رضا شاه» پرتاب شد.*

چاره زحمتکشان وحدت و تشکیلات است!

با توجه به اینکه در این محاسبه مدارس دولتی خاص همچون مدارس نمونه دولتی، شاهد و سمپاد هم لحاظ می‌شوند و استانداردهای کیفی این مدارس در مقایسه با مدارس دولتی عادی بالاتر و جمعیت دانش‌آموزان حاضر در کلاس‌های درس کم‌تر است، این موضوع باعث شده که در مجموع میانگین دانش‌آموزان مدارس دولتی پایین‌تر اعلام شود؛ در حالی که اغلب کلاس‌های درس مدارس دولتی عادی با حدود ۴۰ دانش‌آموز یا بیش‌تر تشکیل می‌شود.

اینها همه محصول سیاست اقتصادی نئولیبرالی، خصوصی سازی‌ها و گسترش کالائی شدن آموزش است که کسب سود و تجارت آموزش را به شدت طبقاتی کرده و هر روز بر عمق آن می‌افزاید.

جایگاه آموزش در برنامه توسعه هفتم

در نظام سرمایه‌داری همه چیز را می‌توان با پول خرید و کسب سود کرد، مالکیت خصوصی و سود ناموس سرمایه‌داری است. در ایران امروزان نیز پس از چهاردهه اجرای سیاست‌های نئولیبرالی رفسنجانیسم نگاه کالائی به انسان و آموزش جامعه را به شدت طبقاتی و به قهقرا برده است. در حوزه آموزش، حوزه‌ای که مدت‌هاست کالائی شده است، از همان آغاز به کودکان نیز می‌آموزند که نگاه کالائی و پولی داشته باشند. امروز «کالائی‌سازی آموزش و تبعیض بین‌نسلی» دامان کشور را گرفته است. بر کسی پوشیده نیست که «آموزش» بنیانی‌ترین حوزه توسعه یا پیشرفت هر کشوری است. نیز واضح است که خصوصی‌سازی در ایران، بصورت افسارگسیخته‌ای موجب بحران و شکاف در جامعه شده است.

برنامه توسعه هفتم هم به عنوان بخشی از سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری سرمایه‌داری اسلامی تحویل مجلس شد. روح حاکم بر این سند افزایش سهم بیش‌تر بخش خصوصی و کاهش تعهدات اجتماعی دولت است. دولت در ادامه روند برنامه‌های پیشین قصد دارد بخش دیگری از وظایف اجتماعی خود را در پوشش واژه‌هایی چون «مردمی‌سازی اقتصاد» و «رقابتی کردن خدمات» به بخش خصوصی و نهادهای عمومی بسپارد. مولدسازی هم، که به معنای فروش اموال دولتی و عمومی است، از تأکیدات چندباره برنامه هفتم است.

برخلاف تأکید بر واژه «آموزش ملی» مفاد برنامه هفتم راه را برای خصوصی‌سازی بیش‌تر و کالائی کردن آموزش عمومی و عالی هموارتر می‌کند و این سیاست منجر می‌شود به تعمیق بیش‌تر و نفوذ نئولیبرالیسم در تمام عرصه تولیدی و آموزشی و جز ژرفش اختلاف طبقاتی و تشدید بحران اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حاصلی نخواهد داشت.*



یادداشتی در مورد کالائی شدن آموزش

جایگاه «آموزش» در برنامه توسعه هفتم. توسعه مدارس غیردولتی از دبستان به دبیرستان رسید

سیاست‌گذاری سال‌های اخیر رساندن سهم بخش غیردولتی در آموزش و پرورش به ۱۵ درصد تا پایان برنامه ششم توسعه بود، در حالی که تا پیش از این و در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ سهم بخش غیردولتی در دوره ابتدایی ۱۶ درصد بود، اما اکنون سهم بخش غیردولتی در دوره متوسطه دوم رو به افزایش است و حدود ۱۵ درصد دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم در مدارس غیردولتی حضور دارند؛ البته پیش از این پیش‌بینی می‌شد با ورود دانش‌آموزان ابتدایی به دوره متوسطه اول و دوم به تدریج موج افزایش سهم بخش غیردولتی به این مقاطع رسیده و تثبیت شود. مسئولان آموزش و پرورش نیز اخیراً در صحبت‌های اخیر خود درباره توسعه مدارس غیردولتی گفته بودند: سعی خواهیم کرد شب ملایمی در توسعه مدارس ابتدایی داشته باشیم و بیش‌تر توسعه را در بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و دوره اول و دوم آموزش متوسطه را شاهد باشیم. سهم بالای مدارس غیردولتی در دوره متوسطه هم‌اکنون ۱۱۴۴۳۵ مدرسه دولتی و غیردولتی در کل کشور فعال هستند و بیش‌ترین درصد مدارس غیردولتی مربوط به دوره متوسطه دوم است. سهم مدارس غیردولتی در دوره متوسطه دوم ۲۳.۶۵ درصد است.

در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ جمعیت دانش‌آموزان در کلاس درس مدارس دولتی در دوره ابتدایی در نقاط شهری ۳۰،۸۶ و نقاط روستایی ۳۷،۱۹ بود و این آمار در دوره متوسطه اول در نقاط شهری ۳۱،۱۳ و نقاط روستایی ۱۹،۴۹ و در دوره متوسطه دوم در نقاط شهری ۲۳،۵۴ و نقاط روستایی ۱۷،۲۳ نفر بود.



خویش را به «سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان» اعلام کرد و به طرد رویزونیست‌های حزب توده ایران پرداخت. پیدایش حزب کار ایران (توفان) با بیان مختصر در خطوط کلی محصول این شرایط تاریخی بود.

حزب کار ایران (توفان) معتقد است که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر فصل نوینی در تاریخ بشریت آفرید. بلشویک‌های قهرمان شوروی، تحت رهبری حزب کبیر کمونیست شوروی و رفیق لنین در پی آن برآمدند تا دنیائی بسازند که بشریت تا به آن روز نظیر آنرا به خود ندیده بود و تصور آن را در مخیله خود نداشت؛ دنیائی بدون استثمار؛ دنیائی متکی بر دیکتاتوری بر ضد ستمگران و دموکراسی وسیع برای اکثریت شکننده خلق؛ در شوروی بزرگ‌ترین دموکراسی تاریخ بشریت مستقر شد. در شوروی ساختمان سوسیالیسم برای نخستین بار تحت رهبری معمار سترگ سوسیالیسم، رفیق استالین برپا شد. حزب ما از سی سال دیکتاتوری پرولتاریا در شوروی دفاع می‌کند و دستاوردهای این دوران تاریخی را الهامبخش مبارزه مردم و طبقه کارگر جهان برای پیروزی مجدد سوسیالیسم می‌داند.

حزب ما پیرو ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم است و بویژه بر «لنینیسم»، که مارکسیسم دوران زوال امپریالیسم و انقلابات پرولتاریایی بوده و صحت‌اش در عمل به ثبوت رسیده است، تکیه می‌کند. حزب ما ارزیابی تاریخی از دست‌آوردهای دوران رفیق استالین و دفاع از «لنینیسم» را ملاک تشخیص کمونیست‌ها از غیر کمونیست‌ها می‌داند.

حزب ما در پی آن است که در ایران یک حکومت سوسیالیستی مستقر سازد که از منافع طبقه کارگر ایران و جهان حمایت کند. حزب ما تشکیلاتی کمونیستی، ضد سرمایه‌داری، ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی است. حزب ما خواهان سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی با دست پُر توان کارگران و زحمتکشان ایران برای استقرار سوسیالیسم است.

جهت مطالعه در مورد تاریخچه مختصر حزب کار ایران (توفان) لطفاً به لینک زیر رجوع کنید. *

<http://toufan.org/Barnameh%20va%20tarikh/Tarikhche%20hezb%20kar.htm>

پنجاه‌وششمین سالگرد پایه‌گذاری تشکیلات توفان بر طبقه کارگر و تمامی کمونیست‌ها و انقلابیون ایران مبارک باد

پنجاه‌وشش سال پیش در ۲۵ تیر ۱۳۴۶ برابر با ۱۶ ژوئیه ۱۹۶۷ «سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان» قدم به عرصه وجود نهاد. در ترازنامه فعالیت یکساله سازمان در مرداد ۴۷ چنین آمده است: «سازمان ما پرچم پرافتخار مارکسیسم-لنینیسم، پرچم پرافتخار انقلاب ایران را، که رویزونیست‌های ایرانی به دور افکنده‌اند، از نو برافراشت و هم اکنون این پرچم یگانه مرکز تجمع وفاداران به جهان‌بینی و آرمان‌های طبقه کارگر ایران است. خط‌مشی و جهان‌بینی ما ضامن پیشرفت‌های آینده ماست. پیشرفت‌های سازمان همچنین مدیون علاقه‌مندی، صمیمیت و پشتکاری است که رفقای سازمان از خود نشان داده‌اند. صمیمیت و معاضدت رفقا عامل بزرگی در پیشرفت کار سازمان است. صمیمیت نشانه وحدت است و وحدت سرچشمه موفقیت. بکوشیم تا وحدت خود را حفظ کنیم و پیوسته استحکام بخشیم. با هر گونه عامل تشتت و تفرقه با شیوه‌های سازمانی به مبارزه برخیزیم».

حزب کار ایران (توفان) ادامه‌دهنده «حزب کمونیست ایران»، «حزب توده ایران»، تا زمانی که خط‌مشی رویزونیستی و ضد کمونیستی خروش‌چف را نپذیرفته بود، است. بنیانگذاران «سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان»، رفقا «احمدقاسمی»، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، مسئول «ماهنامه مردم» و «دکتر غلامحسین فروتن»، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، مسئول «مجله تنوریک دنیا» بودند. در کنار این رفقا، «رفیق عباس سغانی»، عضو رهبری سازمان افسری حزب توده ایران به مخالفت با رویزونیسم خروش‌چف پرداخت و حاضر به قبول خط‌مشی ضدانقلابی رویزونیست‌ها نگردید و در کنار رفقا «قاسمی» و «فروتن» قرار گرفت. «رفیق امیرخیزی»، عضو قدیمی «حزب کمونیست ایران» و «حزب توده ایران» نیز در طی نامه‌ای پیوستن

علل افزایش ۲۸ درصدی مرگ ناشی از حوادث کار

«علی عباسی»، مدیر کل پزشکی قانونی مازندران

۳۷ نفر (همگی مرد) ۳ ماهه نخست امسال بر اثر حوادث ناشی از کار در استان جان خود را از دست دادند که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۲۸ درصد افزایش داشت. شهرستان‌های ساری با ۶، آمل با ۵ و بابل با ۴ فوتی بیش‌ترین جانباختگان ناشی از حوادث کار را داشتند.

در بروز حوادث ناشی از کار عوامل مختلفی مثل نوع کار، ساعت کار، موادی که کارگران با آن سر و کار دارند، محیط کارگاه و غیره تأثیر دارد که حوادث مخصوص به خود را باعث می‌شود. عوامل مشروحه زیر در بروز حوادث ناشی از کار و کارگاهی نقش عمده و به سزائی را دارند:

یکم: مهم‌تر از هر چیز فقدان سندیکای مستقل در محل کار و یکجانبه‌نگری کارفرما

دوم: عدم آموزش کارگران در مورد انجام کارهای محوله، عدم آشنائی کارگران با نحوه کار با دستگاه‌ها و غیره

سوم: عدم وجود وسایل ایمنی روی بعضی از دستگاه‌ها. باز کردن حفاظ بعضی از دستگاه‌ها توسط کارگران در موقع تعمیرات و قرار ندادن آنها در جای خود.

چهارم: بی‌توجهی بسیاری از کارفرمایان به دستورات ایمنی و بهداشتی، که از طرف بازرسان کار به آنها ارائه می‌شود؛ در این مورد لازم به یادآوری است که پاره‌ای از کارفرمایان به زیان‌های ناشی از حوادث آگاهی نداشته و علاقه زیادی به برنامه‌های ایمنی نشان نمی‌دهند و اکثراً دستورات ایمنی را زائد دست و پاگیر و غیرمولد می‌دانند و لذا نسبت به تهیه وسایل ایمنی لازم تعویض ابزار فرسوده و غیره تعلل می‌ورزند.

پنجم: عدم وجود شرایط بهداشتی در بعضی از کارگاه‌ها، مانند آلودگی هوا، عدم وجود تهویه مناسب حرارت و رطوبت نامناسب، روشنائی کم، سر و صدای زیاد، وجود مواد زیان‌آور در فضا و غیره باعث کسالت روحی کارگر و ایجاد حادثه می‌شود.

ششم: تشویش و اضطراب کارگر در بعضی کارگاه‌ها مانند نگرانی‌های خانوادگی، زحمت پیدا کردن کار، ترس از دست دادن کار، بدی روابط کارگر و کارفرما، که باعث ایجاد ناراحتی‌های روحی می‌گردد در بروز حوادث کارگری تأثیر دارد.

هفتم: عدم رعایت نظم و ترتیب صحیح در کارگاه‌ها، در دسترس نبودن وسایل لازم، چیدن نامرتب مواد اولیه و محصولات در کارگاه موجب شلوغ شدن محیط کار و بروز حادثه می‌گردد.

هشتم: شروع و ختم نامناسب کار، اضافه کاری بیش از حد کارگران و غیره منجر به خستگی آنها شده و لذا باعث عدم رعایت ترتیب کار و شتاب‌زدگی در انجام آن و ایجاد حوادث می‌گردد. *



«ناتو» بزرگ‌ترین خطر برای صلح جهانی

در این تردیدی نیست که «ناتو» یک ماشین جنگی و ترور جهانی تمام عیارست. این پیمان جنگی با بودجه یک تریلیون دلاری و ده‌ها هزار سرباز با سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیکی و متعارف در صدها پایگاه نظامی، در کشورهای مختلف بزرگ‌ترین خطر برای صلح جهانی است. به درخواست امپریالیسم آمریکا اعضای ناتو ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف بودجه نظامی کشورشان کرده‌اند.

امپریالیسم آلمان با تصویب ۱۰۰ میلیارد یورو در بودجه تسلیحاتی خود به بزرگ‌ترین قدرت نظامی متعارف در اروپا تبدیل شده است. در حال حاضر هزینه‌های جنگ در سراسر اروپا در حال افزایش است. سود صنایع دفاعی در حال انفجار است. تورم به دلیل جنگ به سرعت در حال افزایش است. در حالی که سرمایه‌داران ثروتمندتر می‌شوند، کارگران و مردم فقیرتر از همیشه. «ناتو» که نیروهای خود را از قطب شمال به آفریقا و از اروپای غربی به اقیانوس هند و اقیانوس آرام منتقل می‌کند، تهدیدی واقعی برای صلح و امنیت مردم جهان و عاملی قدرتمند برای مداخله‌گری، جنگ و ارتجاع است.

مداخله آمریکا در جنگ اوکراین به منظور تضعیف و درهم‌شکستن روسیه و جلوگیری از شکل‌گیری نظم جهان چندقطبی است. برای صلح باید علیه ناتو و انحلال این ماشین جنگی متحد شد! بی‌تردید تصمیم امپریالیسم آمریکا برای ارسال بمب‌های خوشه‌ای به اوکراین آخرین تلاش این ابرقدرت در حال افول در حمایت از حکومت مزدور بی‌اراده اوکراین است، زیرا «صد حمله بزرگ» کی‌یف مطابق برنامه‌های تبلیغاتی آنها، پیش‌ترفت و با شکست روبرو شد.

ما بارها تأکید کردیم که شکست آمریکا در این جنگ محتوم است. غرب راهی ندارد، جز مذاکره و قبول شروط منطقی روسیه بمنظور ایجاد صلح و آرامش. «خروج نیروهای ناتو از اوکراین»، «خلع سلاح نیروهای نئوناشیستی» و «تضمین امنیت ملی روسیه» مهم‌ترین گام برای یک صلح عادلانه میان روسیه و اوکراین است.

برای صلح به پیش!
برای انحلال ناتو و علیه جنگ‌افروزی امپریالیسم آمریکا و متحدینش متحد شویم! *



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری در تیرماه ۱۴۰۲

در آستانه سالگرد قتل «مهسا امینی» و آغاز جنبش حق خواهانه زنان و مردان ایران هستیم که به سرعت از طرف نیروهای خارجی و مزدورانشان به بیراهه کشانده شد. سال گذشته، بعد از به میدان آمدن زنان و مردان برای به دست آوردن حق آزادی پوشش و برچیده شدن گشت ارشاد، با هیاهوی تلویزیون‌های سه گانه لندن نشین برای قالب کردن خواسته‌های ضدایرانی به جنبش مردمی، نه تنها مبارزه علیه گشت ارتجاعی ارشاد، به آشوب و بلوا تبدیل شد، بلکه مبارزات کارگران و زحمتکشان نیز رو به سردی رفت و به یکباره از شور و هیجان مبارزات کارگری کاسته شد. کارگران و زحمتکشان به درستی دست رد بر سینه نیروهای خارجی و هواداران‌شان زدند و با حرکات آشوب طلبانه نیروهای وابسته به امپریالیست‌ها همراه نشدند. تلاش نیروهای امپریالیستی و صهیونیستی برای ایجاد فضای مناسب برای سوریه‌ای‌سازی ایران، ضربه بزرگی به مبارزات کارگران و زحمتکشان وارد کرد که هنوز هم مبارزات برحق زحمتکشان نتوانسته است خود را به سطح قبل از شهریور سال گذشته برساند. هرچند که آن هیاهوی آشوب طلبانه فروکش کرده است، ولی تلاش غرب گرایان و اربابان غربی آنها برای ایجاد آشوب و ناامنی، در جهت اختلال در امر «سیاست گردش به شرق» همچنان ادامه دارد و در این راستا تلاش نیروهای در داخل حکومت، و همچنین اپوزیسیون خودی جمهوری اسلامی «اصلاح طلبان رانده شده از حکومت» در همراهی با امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها کماکان ادامه دارد. و همچنین نیروهای خودی جمهوری اسلامی نیز، دانسته و یا ندانسته با طرح دوباره موضوع «حجاب اجباری» و تلاش برای بازگرداندن

«گشت ارشاد» به خیابان‌ها و هیاهو بر سر چگونگی همکاری چین و روسیه با کشورهای منطقه، شرایط را برای انفجاری دیگر مهیا می‌کند. شرایطی که برای مبارزات کارگران و زحمتکشان نامطلوب خواهد بود. عدم وجود تشکلات نیرومند مستقل صنفی و سیاسی کارگری، زحمتکشان را در موقعیت وضعی قرار داده و سرکوب سیستماتیک حکومت سرمایه‌داری اسلامی نیز رهبران شناخته شده کارگران و زحمتکشان را در غل و زنجیر گرفتار ساخته است. در چنین شرایطی ما کارگران و زحمتکشان می‌بایست قبل از هر چیز، به ایجاد تشکل‌های مستقل صنفی و دمکراتیک در محل کار و همچنین ایجاد اتحادیه‌ای واحد و سراسری بپردازیم تا بتوانیم از حقوق مان در مقابل سرمایه‌داران زالوصفت دفاع نماییم. در تیرماه مبارزات کارگران و زحمتکشان شاغل و بازنشسته ادامه یافت، که در ذیل بخش‌هایی از این پیکار کارگران را ملاحظه می‌کنید:

کارگران نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاه‌ها ۱۷ تیر

جمعی از کارگران ارکان ثالث وزارت نفت، از شرکت‌های ملی مناطق نفت خیز جنوب، ملی حفاری و ... نسبت به اجرائی نشدن طرح حذف شرکت‌های پیمانکاری، مقابل نهاد ریاست جمهوری دست به تجمع اعتراضی زدند. قریب به یکصد و پنجاه هزار نفر به صورت شرکتی (ارکان ثالث حجمی و غیرحجمی) در شرکت‌های دولتی تابعه وزارت نفت، اعم از شرکت گاز، نفت، حفاری، پالایش، پخش فرآورده‌های نفتی مشغول کار هستند که درخواست همه آن‌ها خروج شرکت‌های پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم با وزارت نفت است. کارکنان پیمانکاری شاغل در مناطق عملیاتی نفت نیز، که به علت حضور در محیط کار امکان شرکت در این تجمع را نداشتند، با ارسال دست‌نوشته‌هایی ضمن حمایت از همکاران خود، خواستار حذف پیمانکار نیروی انسانی شدند.

۲۰ تیر

جمعی از کارگران پتروشیمی دهلران ایلام برای جلوگیری از تعطیلی پروژه پتروشیمی دهلران، با تجمعی مسالمت‌آمیز و به دور از هرگونه تنش در مقابل فرمانداری دهلران خواستار پیگیری ادامه ساخت این مجتمع پتروشیمی شدند. کارگران با پلاکاردهای «پتروشیمی دهلران را تعطیل نکنید» و «تعطیلی پتروشیمی دهلران یعنی آغاز فاجعه بزرگ» و «تعطیلی پتروشیمی دهلران یعنی بیکاری ۲۰۰۰ نفر» تجمع کردند.

۲۱ تیر

کارگران شاغل در شرکت ریتون پیمانکار پروژه های پلیمر پتروشیمی آریا ساسول در عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت شش ماه حقوق خود و عملی نشدن وعده های پیمانکار، در ادامه اعتصاب ۱۵ روزه خود، مقابل این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند و گیت های ورودی و خروجی شرکت آریاساسول را بسته و از هرگونه ورود و خروج کارکنان و ماشین آلات جلوگیری کرده و اعلام کرده اند تا پرداخت نشدن کلیه حقوق معوق به اعتصاب خود پایان نخواهند داد.

۲۹ تیر

جمعی از کارگران پروژه پتروشیمی دهلران در اعتراض به تعطیلی این پروژه و بیکاری کارگران در مسیر ورودی این پروژه مجددا دست به تجمع زدند. این کارگران پیش تر نیز مقابل فرمانداری شهرستان دهلران تجمع اعتراضی برگزار کرده بودند.

فرهنگیان**۳ تیر**

سرایداران و خدمتگزاران آموزش و پرورش از سراسر کشور در اعتراض به سطح پائین حقوق و مزایا و تبعیض، با برپایی تجمعاتی مقابل سازمان استخدامی کشور و آموزش و پرورش، خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند.

۴ تیر

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، با انتشار بیانیه‌ای حمایت خود را از دانشجویان دانشگاه هنر اعلام داشت. در این بیانیه آمده است: «... شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم نمودن رفتار غیرمسئولانه و حرکت متحجرانه گروهی، که نه درک درستی از فرهنگ دارند و نه هنر را به مثابه فرهنگ می‌بینند، به حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر اعلام می‌دارد، هر نوع اهرم فشار بر نهادهای دانشگاهی و دانشجویان پیشرو، نتیجه‌ای جز تزلزل در پایه‌های حاکمیت نخواهد داشت. این را می‌توان به وضوح از بیانیه قاطع دانشجویان این دانشگاه دریافت...».

۲۱ تیر

«اسماعیل عبدی» حمایت خود را از کمپین یکصدهزار امضا برای آزادی معلمان زندانی، با انتشار بیانیه‌ای اعلام داشت. در بخشی از این بیانیه آمده است: «معلمان و تشکلهای صنفی در مدت بیست سال گذشته برای آزادی همکاران خود مسالمت‌آمیزترین روش‌های مدنی مانند نوشتن نامه، جمع‌آوری طومار، مذاکره با مسئولان، برگزاری کارزارهای مجازی و تجمعات را به کار بردند تا صدای معلمان زندانی را به اطلاع مردم شریف ایران برسانند. اخیرا نیز «کمپین یکصد هزار امضا در حمایت از معلمان زندانی» شروع شده است. اینجانب به‌عنوان معلم زندانی از تمامی همکاران عزیز و دوستانی که با تشکیل چنین کمپین‌هایی مردم ایران را برای رسیدن به مطالبات اصلی خود یاری می‌رسانند، کمال قدردانی و تشکر را دارم.»

سازمان معلمان ایران طی بیانیه‌ای، که در کانال تلگرامی این سازمان منتشر شده است، از کمپین یکصدهزار امضا برای آزادی معلمان زندانی، که به همت تعدادی از معلمان و با حمایت اغلب کانون‌ها و انجمن‌های صنفی فرهنگیان کشور در حال جمع‌آوری امضاست، حمایت کرد. در بخش‌هایی از این بیانیه آمده است: «سازمان معلمان ایران هرگونه اقدام قانونی برای مطالبه‌گری را حق آحاد جامعه، از جمله معلمان، می‌داند و بر همین اساس حمایت خود را از کارزاری، که به‌شيوه كاملا مدنی، خواستار آزادی معلمین زندانی و پایان دادن به پرونده‌سازی‌ها و امنیتی‌کردن کنشگری‌های صنفی-سیاسی است، اعلام داشته و از همه اعضاء خود و هم‌چنین همه معلمان سراسر کشور می‌خواهد که با کنشگران این کارزار تا رسیدن به نتیجه مطلوب همدلی، همراهی و همکاری مسئولانه داشته باشند.»

۲۷ تیر

جمعی از معلمان شیراز نسبت به زندانی کردن فعالین صنفی معلمان و عدم رسیدگی به مشکلات‌شان دست به تجمع اعتراضی زدند. «معلم زندانی آزاد باید گردد»، «معیشت، منزلت، حق مسلم ماست!»

بازنشستگان**۴ تیر**

بازنشستگان تأمین اجتماعی شهرستان‌های شوش، اهواز، رشت، شوشتر، کرمانشاه و ... جهت پیگیری مطالبات ۲۵ درصد متناسب‌سازی و معوقه آن از سال ۹۹ تا امروز و اعتراض به تورم و گرانی و وضعیت بد معیشتی و درمانی خود، مقابل ساختمان تأمین اجتماعی شهرهای مربوطه، دست به تجمع اعتراضی زدند. «فقط کف خیابون به دست میاد حقمون!».

بازنشستگان فولاد اصفهان در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و درمانی خود، دست به تجمع زدند و خواستار رسیدگی به مطالبات‌شان شدند.

فرهنگیان بازنشسته یزد جهت پیگیری اجرای قانون همسان سازی مقابل استانداری یزد تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۵ تیر

بازنشستگان مخابرات استان‌های ایلام، هرمزگان، لرستان، مرکزی، مازندران، آذربایجان شرقی، چهارمحال و بختیاری، کردستان، اصفهان، آذربایجان غربی، خوزستان، زنجان و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان، از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی و رفع مشکلات بیمه درمانی، مقابل ساختمان شرکت مخابرات شهرهای مربوطه، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۶ تیر

گروهی از بازنشستگان اردبیل در اعتراض به وضعیت بد معیشتی مقابل صندوق بازنشستگی کشوری استان اردبیل دست به تجمع زدند. تجمع کنندگان خواهان آزادی معلمان زندانی شدند. معلم زندانی آزاد باید گردد!

۱۱ تیر

گروهی از بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش، گیلان، شوشتر، اهواز، دزفول، کرمانشاه نسبت به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به مطالبات برحق‌شان مقابل سازمان تأمین اجتماعی شهرها مربوطه خود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۱۲ تیر

جمعی از بازنشستگان مخابرات استان‌های خوزستان، هرمزگان، خراسان رضوی، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی و رفع مشکلات بیمه درمانی مجدداً مقابل ساختمان شرکت مخابرات در مراکز استانهای مربوطه، دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

۱۳ تیر

جمعی از بازنشستگان کشوری استان‌های کرمانشاه، قزوین، یزد، فارس (مسنی)، کردستان، اردبیل، در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

۱۸ تیر

بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای اهواز، شوش، کرمانشاه و رشت در اعتراض به تبعیض و نابرابری، وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً مقابل سازمان تأمین اجتماعی شهرهای مربوطه دست به تجمع و راهپیمایی زدند و خواستار اجرای مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تأمین اجتماعی و ترمیم مستمری‌ها شدند. فقط کف خیابون به دست میاد حقمون!

۱۹ تیر

جمعی از بازنشستگان مخابرات در چند استان از جمله تهران، کرمانشاه، خراسان رضوی، چهارمحال بختیاری، فارس،

اردبیل، کردستان، خوزستان و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی مجدداً مقابل ساختمان شرکت مخابرات شهرهای مربوطه خود، دست به تجمع زدند.

۲۰ تیر

جمعی از بازنشستگان کشوری در شهرهای مانند یزد، کرمانشاه، نورآباد، کرج، سنندج، ممسنی، اردبیل و ... بدنبال فراخوان ازبیش اعلام‌شده و در اعتراض به عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل صندوق بازنشستگی کشوری در شهرهای خود، تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار بهبود وضعیت معیشت و افزایش سطح خدمات رفاهی بازنشستگان شدند. بازنشستگان کشوری یزد، برای پیگیری درخواست همسان سازی حقوق در مقابل استانداری تجمع برگزار کردند و بعد از تجمع خود، با مطلع شدن از برگزاری جلسه تجلیل از بازنشستگان متولدین سال‌های ۱۳۳۲ الی ۱۳۳۷ در سالن تربیت معلم پاکنژاد، از مقابل استانداری به سمت سالن تربیت معلم حرکت کرده و با فریاد اعتراض، به تجمع ادامه دادند.

۲۵ تیر

بازنشستگان شهرهای تهران، اهواز، کرمانشاه، شوش و رشت در اعتراض به فقر و نداری، وضعیت بد معیشتی، تبعیض و نابرابری‌ها مقابل سازمان تأمین اجتماعی شهرهای خود، و در تهران مقابل مجلس تجمع اعتراضی برگزار کردند «شاغل، بازنشسته اتحاد اتحاد!».

بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان نسبت به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مقابل ساختمان صندوق فولاد این شهر دست به تجمع زدند.

۲۶ تیر

جمعی از بازنشستگان مخابرات خراسان رضوی، خوزستان، مازندران، کردستان، کرمانشاه، نسبت به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مقابل شرکت مخابرات مراکز استان خود، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۷ تیر

جمعی از بازنشستگان کرمانشاه، البرز، کردستان، فارس، اردبیل، قزوین، همدان، یزد، نسبت به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کشوری مراکز استان خود و در یزد مقابل استانداری، دست به تجمع زدند و ضمن سردادن شعار «اتحاد»، خواستار رسیدگی به مطالبات برحق خود شدند «کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی، اتحاد اتحاد!».

عدالت اداری شده‌اند.

۱۴ تیر

کارگران رسمی شرکت نیشکر هفت تپه در ادامه اعتراض‌شان نسبت به عدم اجرای صحیح و بازنگري طرح طبقه‌بندی مشاغل در هفتمین روز از اعتراض خود مجدداً تجمع کردند. کارگران مجدداً تأکید کردند که چنانچه تا پایان هفته جاری اقدامی در راستای تحقق خواسته‌هایشان صورت نگیرد، روز شنبه تجمع اعتراضی خود را در مقابل استانداری خوزستان برپا خواهند نمود. ایجاد تشکل صنفی در محل کار و تشکیل اتحادیه سراسری نیاز مبرم مبارزات کارگری است!

۲۴ تیر

چهار نفر «رضا محمدی، رزگار صمدی، شیلان عبدی و نوشین قاسمی» از کارگران شرکت پویا پلیمر سنندج از سوی «رحمان رضائی»، مدیر داخلی این شرکت، از کار خود اخراج شدند. مدیر این شرکت علت اخراج این کارگران را برهم‌زدن نظم عمومی سالن تولید برای تحریک کارگران برای اعتصاب عنوان کرده است. شرکت پویا پلیمر سنندج، سازنده لوله و اتصالات پلیمری با ۹۶ کارگر است که در دو شیفت ۱۲ ساعته و عمدتاً بدون داشتن بیمه تأمین اجتماعی مشغول به کار هستند. کارگران این شرکت از حدود سه ماه پیش حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده و در واکنش به این وضعیت دست به اعتراض زده بودند.

۲۵ تیر

کارگران مجتمع فولاد گیلان نسبت به مرگ یکی از همکاران‌شان «رحمان قربان‌زاده» در اثر بی‌مبالاتی مسئولان شرکت، تجمع اعتراضی برگزار کرده و تهدید نمودند، چنانچه به وضعیت اسفناک این شرکت رسیدگی نشود، دست از کار کشیده و به سمت استانداری گیلان حرکت می‌کنند! نمایندگان صنفی کارگران کارخانه داروگر تهران، آقایان «یوسف نژاد و مختاری»، به بهانه پایان قرارداد اخراج شدند. یوسف نژاد با حدود ۱۷ سال سابقه کار و «مختاری» با ۱۴ سال سابقه در نهاد صنفی کارگران کارخانه داروگر عضویت داشته‌اند. ایشان مسئول پیگیری مطالبات صنفی کارگران بود و بخش زیادی از مطالبات کارگران این کارخانه مربوط به تعویق چهار تا پنج ماه حقوق و تأمین امنیت شغلی کارگران بوده است. تمامی فعالیت‌های نمایندگان کارگران جنبه صنفی و قانونی داشته است و کارگران خواستار بازگشت به کار آنها هستند.

مبارزات طبقاتی را پایانی نیست مگر با پیروزی زحمتکشان تحت رهبری طبقه کارگر و حزب رزمنده آن. تشکل، آگاهی، مبارزه رمز پیروزی ماست! *

کارگران دیگر

۱ تیر

کارگران شرکت کشت و صنعت شوشتر در اعتراض به نحوه برخورد شرکت پیمانکاری با پرسنل و عدم رسیدگی به مطالبات شغلی و معیشتی دست به اعتصاب زدند و خواهان تبدیل وضعیت قراردادهای شغلی از پیمانکاری به قراردادی شدند.

۳ تیر

پرسنل تأمین اجتماعی نسبت به سطح پایین حقوق‌ها و مشکلات معیشتی خود، مقابل ساختمان سازمان تأمین اجتماعی در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

۴ تیر

شماری از کارکنان تعاونی‌های سهام عدالت از شهرستان‌های مختلف کشور در اعتراض به عدم امنیت شغلی و عدم پرداخت مطالبات مزدی، در مقابل ساختمان کانون شرکت‌های سرمایه گذاری سهام عدالت در تهران، دست به تجمع زدند.

۷ تیر

کارگران رسمی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه به دلیل عدم اجرای صحیح بازنگري طرح طبقه‌بندی ابتدا در مقابل دفتر مدیریت شرکت و پس از آن در دفتر مدیریت امور اداری برای سومین روز دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران به دلیل کاهش مزد مبنای، کاهش گروه شغلی و کاهش رتبه و نیز عدم محاسبه سنوات خود در احکام کارگزینی معترض هستند به گونه‌ای که دستمزد این کارگران با احتساب افزایش مزد سالیانه و طرح بازنگري مشاغل از دستمزد سال قبل خود کم‌تر محاسبه شده است. در این تجمع کارگران بر لزوم پاسخ‌گویی مدیران شرکت در این خصوص تأکید داشتند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن حمایت خود را از خواست و مطالبات کارگران معترض اعلام داشت.

جمعی از کارکنان استانداری کهگیلویه و بویراحمد نسبت به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان در محوطه استانداری استان واقع در یاسوج دست به تجمع اعتراضی زدند.

۹ تیر

همزمان با سفر رئیسی به استان کرمان بار دیگر گروهی از بازنشستگان و کارکنان مس سرچشمه نسبت به واگذاری صندوق بازنشستگان مس به وزارت رفاه، مقابل درب ورودی مجتمع مس سرچشمه تجمع اعتراضی برگزار کردند. بازنشستگان صندوق مس بارها با برگزاری تجمع اعتراضی خواهان ابطال مصوبه شورای عالی رفاه در خصوص الحاق موسسه صندوق بازنشستگان مس به وزارت رفاه، توسط دیوان



۶۱ کولبر در ۶ ماه اخیر جانباخته‌اند

بر اساس تازه‌ترین گزارش «کولبرنیوز»، که به صورت ویژه، اخبار کولبران مرزی را رصد می‌کند، در شش ماه اخیر جمعاً ۶۱ کولبر در مناطق مرزی و مسیرهای بین جاده‌های استان‌های آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه بر اثر عواملی همچون تیراندازی مستقیم نیروهای مرزبان، ریزش بهمن، سرمازدگی، انفجار مین‌های بجا مانده، سقوط از ارتفاع و سایر موارد، کشته و زخمی شده‌اند. بر بنیاد این گزارش، از مجموع این تعداد، ۱۱ کولبر، معادل ۱۸ درصد کشته و ۵۰ کولبر زخمی شده‌اند. بر اساس آمار ثبت شده از سوی «کولبرنیوز» از مجموع ۶۱ کولبری که کشته و زخمی شده‌اند، ۴۲ مورد (۶۹ درصد) با تیراندازی مستقیم نیروهای نظامی صورت گرفته است. پیش‌تر «کولبرنیوز» در گزارش سالانه خود که در پایان سال ۱۴۰۱ منتشر کرده بود، از زخمی و کشته شدن دست‌کم ۲۳۴ کولبر در مناطق مرزی و مسیرهای بین جاده‌های استان‌های آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه خبر داده بود که بر اثر عواملی از جمله تیراندازی مستقیم نیروهای نظامی جمهوری اسلامی، بهمن و سرمازدگی، رفتن روی مین، سقوط از کوه و ارتفاع و سایر موارد رخ داده است. بر اساس این گزارش، از این تعداد جمعاً ۳۹ کولبر معادل ۱۷ درصد کشته و ۱۹۵ کولبر، معادل ۸۳ درصد زخمی شده‌اند. همچنین از مجموع ۲۳۴ کولبری، که در سال ۱۴۰۱ زخمی یا کشته شده‌اند، جمعاً ۱۷۲ مورد معادل ۷۴ درصد با تیراندازی مستقیم نیروهای نظامی صورت گرفته است.

افزایش بیکاری و رشد پدیده کولبری

طبق آمار رسمی مرکز آمار ایران، برآورد نقطه‌ای بیکاری برای پاییز ۱۴۰۱ در سه استان کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی به ترتیب ۱۳،۸، ۱۲،۹ و ۸،۴ است، که بالاتر از میانگین کشوری یعنی ۸،۲ می‌باشد.

کولبری شغل نیست، عارضه‌ای است مولود نظام سرمایه‌داری، نابرابری که با تحمیل فقر و بیکاری همراه شده است. کولبری، گورخوایی، اتوبوس‌خوایی، کارتن‌خوایی محصول نظام سرمایه‌داری در هارترین شکل آن، «نئولیبرالیسم» است که باید با تشکل و آگاهی در مقابل آن ایستاد و دولت سرمایه‌داری را در قبال این وضعیت ضدانسانی و ادار به پاسخگوئی کرد. کولبری، رنج‌های بی‌پایان در کوهستان و سرما و سرانجام مرگ است. *



چرا ترس، چرا ناامنی، چرا حماقت، چرا حرص و طمع و خودخواهی؟

«ترس» احساس و بیان از دست دادن چیز است؛ «حرص» یعنی چیز بیش‌تری می‌خواهید، طماع هستید؛ «حماقت» یعنی نادانی و جهل؛ اگر این سه مبانی را امروز در جهان مورد تبیین قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که آن ایدئولوژی یا جهان‌بینی که بر جهان حاکم است، جهان‌بینی سرمایه‌داری است که بر اساس مالکیت خصوصی بر ابزار تولید بنا شده و ۹۹ درصد مالکیت و ثروت آن در اختیار یک درصد مردم جهان است. تبعات این سیستم ناعادلانه در جهان، در فرد «ترس» و «حرص» و «حسادت» و «حماقت» می‌آفریند. «خودپرستی»، «خودخواهی»، «زرننگ‌بازی»، «طمع‌کاری»، «حرص و حسادت» و «تنگ‌نظری» و «بیماری‌های «خودمحوری» و «برتری‌جویی»، جنگ و وحشت و فراره، راسیسم و فاشیسم و داعش و گارد بلاکواتر آمریکائی در عراق و افغانستان و ویتنام و کودتاهای رنگارنگ خونین در ایران و شیلی و بولیوی و برزیل و آرژانتین و نسل‌کشی سرخ‌پوستان و بومیان استرالیائی و فلسطینی. و سرانجام دو جنگ جهانی بزرگ اول و دوم و ۶۰ میلیون کشته حاصل چنین جهان‌بینی است.

«آلبرت انشتین»، که خود یک ریاضی‌دان بود، در فلسفه اجتماعی به این نتیجه رسید که «جهان با جهان‌بینی کنونی، یعنی جهان‌بینی سرمایه‌داری به پرتگاه نیستی رسیده است، باید جهان‌بینی‌ای جایگزین را بگیرد که بر مشارکت مستقیم انسان‌ها، ناعدوستی و برابری و توزیع عادلانه ثروت و مالکیت جمعی و همبستگی و مودت استوار باشد. انسان در چنین سیستمی و با چنین جهانی‌بینی احساس امنیت می‌کند.»

چنین سیستمی جز سوسیالیسم نیست. پس زنده باد سوسیالیسم!

متوسل شد. همین تناقض گوئی در سایر خواست‌ها و مطالبات نیز به چشم می‌خورند. از جمله در بند ۲ می‌آید: «آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، حزب، تشکل‌های محلی و سراسری صنفی و مردمی، اجتماعات، اعتصاب، راهپیمایی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های صوتی و تصویری» (تکیه از توفان) و این به این مفهوم است که فعالیت احزاب هوادار رژیم منفور پهلوی نیز باید بدون قید و شرط به رسمیت شناخته شوند و در فدای جمهوری اسلامی نیز حتی احزاب هوادار جمهوری اسلامی نیز می‌توانند در کنار سلطنت‌طلبان و شاید نازی‌ها و نژادپرستان و گروه‌های وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم و نظایر آنها هم به رسمیت شناخته شوند و پلورالیسم غیرطبقی و ارتجاعی سرپای جامعه ایران را به فساد بکشاند. آنوقت معلوم نیست مردم ایران به چه علت انقلاب کرده و یا می‌کنند و دست‌آوردهای یک انقلاب اجتماعی چیست؟ رژیم منفور پهلوی به زباله‌دان تاریخ رفته است و نمی‌شود ارواح خبیثه را با معجون سحرآمیز «دموکراسی» زنده کرد و به ریش مردم خندید.

در همین چند خط به «آزادی بی‌قید و شرط ... شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های صوتی» هم اشاره می‌کند که منظور فضای مجازی امپریالیستی است. این عده، که این چنین عاشق و دل‌خسته تبلیغات رسانه‌ای و مغزشوئی امپریالیستی توسط «اینستاگرام»، «فیسبوک»، «یاهو»، «گوگل»، «ایلان ماسک»، «سعودی انترنشنال»، «من و تو»، «رادپو زمانه» و «رادپو فردا»، «بی بی سی»، «صدای آمریکا»، «دویچه وله»، «رادپو فرانسه» و... هستند حتی تا آنجا پیش می‌روند که حق حاکمیت ملی ایران را در عرصه فضای مجازی، رسانه‌ای به زیر پرسش می‌برند و تجاوز امپریالیستی به حریم فضای مجازی ایران توسط دشمنان بشریت را با جان و دل به رسمیت می‌شناسند، امری که در هیچ کدام از کشورهای جهان، حتی در خود ممالک سر مشق این عده به رسمیت شناخته نمی‌شود. آنها برای تأیید نفوذ و رخنه‌گری امپریالیسم در ایران وظیفه وکیل مدافع امپریالیسم را به عهده گرفته‌اند. هم اکنون اتحادیه اروپا مترصد است بر افسارگسیختگی، جعل اخبار، و دروغ‌پردازی، عدم مالیات‌دهی این انحصارات رسانه‌ای افکار عمومی‌سازی جهانی در حیطه نفوذ و اقتدار اروپا لجام بزند. آنها حتی قوانینی نیز در این عرصه به تصویب رسانده‌اند. اتحادیه اروپا از تمام این انحصارات رسانه‌ای خواسته است که مقام مسئولی با نشانی دفتر ثبت شده رسمی در اروپا به ممالک اروپایی معرفی کنند که مشمول تمام قوانین رسمی حاکم بر اتحادیه اروپا باشند. یعنی این رسانه‌های فضای مجازی باید حاکمیت قانون در اروپا را بپذیرند. ما انحصارات رسانه‌ای فراقانونی در اروپا نداریم. این ممالک «مدرن» تمام رسانه‌های مربوط به جمهوری اسلامی را بدون قید و شرط ممنوع کرده و تمام گفتار و نظریات اپوزیسیون انقلابی ایران را بدون قید و شرط سانسور می‌کنند.

از زمان آغاز جنگ اوکراین، یعنی حداقل از سال ۲۰۱۴ در مورد اوکراین به پخش دروغ مشغول‌اند و از فوریه سال گذشته خبرگزاری «آرتی» (Russia Today) را بدون قید و شرط ممنوع



نقدی بر «مشور مطالبات حداقلی تشکل‌های مستقل صنفی و مدنی ایران» (بخش پنجم)

خواست‌های دموکراتیک و درک آنها

حال به خواست‌های مشخص این بیانیه و یا مشور نظر افکنیم. در بند یک از رژیم حاکم جمهوری اسلامی ایران، که یک نظام سرمایه‌داری است، می‌طلبند: «۱- آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی، منع جرم‌انگاری فعالیت سیاسی و صنفی و مدنی و محاکمه علنی آمرین و عاملین سرکوب اعتراضات مردمی».

جای انکار نیست که مخاطب این سند حکام کنونی ایران هستند و این خواست، که طبیعتاً خواستی دموکراتیک است و باید برای تحقق آن مبارزه کرد، باید در چارچوب مناسبات حاکم کنونی چه در عرصه اقتصادی و یا سیاسی صورت گیرد. این ادعا اگر صمیمانه باشد و نه ریاکارانه، آنوقت با تحلیل این عده در مقدمه این سند، که آورده‌اند: «... هیچ چشم‌انداز روشن و قابل حصولی را نمی‌توان برای پایان دادن به آن در چهارچوب روبنای سیاسی موجود متصور بود، هم از اینروست که مردم ستم‌دیده ایران... با از جان‌گذشتگی ... خیابان‌های شهرها را در سراسر کشور به مرکز مصافی تاریخی و تعیین‌کننده برای خاتمه‌دادن به شرایط ضدانسانی موجود تبدیل کرده‌اند...» در تناقض کامل قرار می‌گیرد. خواننده باید به کدام فرضیه تکیه کند؟! به این فرض که هیچ مطالبه و خواستی در چارچوب رژیم حاکم کنونی قابل حصول نیست و باید به کف خیابان‌ها برای مصاف نهائی و سرنگونی رژیم حاکم رفت و یا اینکه علی‌رغم مرتجع بودن این رژیم هنوز نیز باید به مبارزه دموکراتیک برای تحقق خواست‌ها

کرده‌اند. ما در زمینه دروغ‌های بی‌شرمانه آنها در مورد افغانستان، عراق، لیبی، یمن، فلسطین، سوریه، چین و ایران سخن نمی‌گوئیم. در بیانیه این مبتکران حق زمامداری و تجاوز به مرزهای فضائی و مجازی ایران را به‌بهانه حضور و زمامداری جمهوری اسلامی در ایران در اختیار امپریالیست‌ها قرار می‌دهد، در صورتی که خود آنها این حق را برای یکدیگر به رسمیت نمی‌شناسند. این خواست‌ها طبیعتاً ضدایرانی و برای ویرانی ایران است و نه سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی. رژیمی که در ایران تجاوز به حریم فضای مجازی ایران را بپذیرد، تنها شایسته سرنگون شدن است. ایران مستقل باید از تمام مرزهای خود، اعم از زمینی، دریائی، هوائی و فضائی حراست کند. امپریالیسم و صهیونیسم حقی در ایران ندارند، حتی اگر «فمینیست مدرن» باشند.

مبارزه دموکراتیک برای رفع خفقان و سانسور بر ضد اقدامات مستبدانه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی هیچ حق ویژه‌ای برای امپریالیسم جهانی در ایران نمی‌آفریند. مشکلاتی که در ایران وجود دارند، باید به دست توانای مردم ایران، که از انقلاب ضدامپریالیستی و ضدسلطنتی ۱۳۵۷ بیرون آمده‌اند، حل شود. ایران مأمن مجدداً امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا نیست.

در بند ۶ همان درخواست «رفرمیستی» از حکومت طرح می‌شود که: «تأمین ایمنی کار، امنیت شغلی و افزایش فوری حقوق کارگران، معلمان، کارمندان و همه زحمتکشان شاغل و بازنشسته با حضور و دخالت و توافق نماینده‌های منتخب تشکل‌های مستقل و سراسری آنان».

این بند نیز در تناقض کامل با ادعاها و نیت منشور مطالبات حداقلی قرار دارد. در این بند مبتکران منشور به یکباره خواهان مذاکره با حاکمیت جمهوری عقب‌مانده اسلامی برای نیل به توافق هستند و حتی می‌طلبند که حکومت از حضور و دخالت نمایندگان اقشار مردم، که نمایندگان منتخب آنها هستند، حمایت کند. اگر تحقق این مطالبات باید در چارچوب حاکمیت سرمایه‌داری کنونی انجام پذیرد، پس دیگر چه جای طرح شعارهای براندازانه و «انقلاب اجتماعی مدرن» باقی می‌ماند که ملغمه‌ای از بیان به دست آوردن فرصت‌طلبانه دل همه امضاء کنندگان ارائه می‌دهد. از این گذشته آزادی تشکل‌های مستقل و سراسری، که نمایندگان منتخب امضاء آن باشند، هنوز متحقق نشده است که به درخواست بعدی برای پذیرش نمایندگان منتخب آنها در مذاکرات با مسئولان حاکمیت پردازیم. در اینجا تقدم و تأخر مطالبات مخلوط شده است و دلیل این همه تناقض گوئی و انقلابی‌نمائی‌ها در این است که این مبتکران خودشان نیز نمی‌فهمند که چه می‌خواهند، به جز اینکه به آشفته‌فکری، ناآرامی به‌گمراه‌بردن مبارزه طبقه کارگر و مردم ایران دامن زنند.

در بند ۵ مبتکران این سند از رژیم جمهوری اسلامی می‌خواهند که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را تغییر دهد و از جمله واژه اسلامی را از مفاد قانون اساسی حذف کند (!!!). آیا می‌توان آن را به عنوان خواستی دموکراتیک از رژیم حاکم و بر سر قدرت تقاضا کرد؟! آیا مفهوم‌اش این نیست که: ما از شما

می‌طلبیم لطفاً سرنگون شوید! آیا این است آن خواست مطالباتی و مدنی حداقلی که شما تشکل‌ها و نهادهای صنفی و مدنی به مثابه «اولین فرامین» از «همه انسان‌های شریف» می‌خواهید از «محلات تا صحنه جهانی پرچم این مطالبات حداقلی را بر بلندای قله رفیع آزادی‌خواهی برافراشته دارند؟! پرسش این است منظورتان از صحنه جهانی کدام است؟ اردو کشی ناتو در برلن و یالشگر کشی ضدانقلاب در کنفرانس امنیتی مونیخ و رژه نافرجام در اشتراسبورگ در مقابل پارلمان فاسد، رشوه‌خوار، تروریستی و امپریالیستی اتحادیه اروپا؟!.

در بند ۸ می‌خوانیم: «بر پیچیده شدن ارگان‌های سرکوب، محدود کردن اختیارات دولت و دخالت مستقیم و دائمی مردم در اداره امور کشور از طریق شوراهای محلی و سراسری. عزل هر مقام دولتی و غیردولتی توسط انتخاب‌کنندگان در هر زمانی باید جزو حقوق بنیادین انتخاب‌کنندگان باشد».

ذهنی‌گری و گزافه‌گوئی، این محافل به ظاهر مطالباتی، مدنی و نهادهای حقوق‌بشری را آنچنان دربر گرفته که از حاکمیت ایران می‌طلبند تا ارگان‌های سرکوب را، که عبارت از ارتش، سپاه پاسداران، بسیج، انتظامات، قوه قضائیه و مجریه هستند، منحل کند و اختیارات دولت را، حتی محدودتر از آنچه که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تاکنون درخواست می‌کنند، کرده و سپس مردم را بر اساس قبول اصل شورائی حکومت بر سر کار آورند؟! و حتی یکی از دست‌آوردهای مهم کمون پاریس را، که «عزل هر مقام دولتی و غیردولتی توسط انتخاب‌کنندگان در هر زمانی باید جزو حقوق بنیادین انتخاب‌کنندگان باشد» به رسمیت بشناسد و عملی گرداند؛ اصلی که فقط به عنوان یک آرمان و رهنمود آتی در کمون پاریس مطرح شد و تا به امروز در هیچ کشور سوسیالیستی نیز نتوانسته اجراء شود. مبتکران این سند تحقق این اصل آرمانی را از رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی می‌طلبند (!!!) که فقط موجب حیرت خواننده و اظهار تأسف نسبت به حال و روز این نگارندگان شود.

در مورد بند ۴، که در پی یک دگرگونی فرهنگی اجتماعی در ایران است که حتی یک درصد هم هوادار ندارد، جای بحث‌اش در این نوشته نیست. این نظریات به درست و یا به غلط حتی مورد پذیرش اکثریت مردم «مدرن» اروپا نیز نیست و در جریان بازیگری امپریالیسم آلمان در دفاع از حقوق جامعه رنگین‌کمانی «ال‌جی‌بی‌تی کیو‌آی‌ای‌پلاس» (LGBTQIA) در مسابقه جهانی فوتبال سال ۲۰۲۲ در قطر مورد تمسخر دنیا و حتی انتقاد شدید در آلمان قرار گرفت. معلوم نیست چه دست‌هائی در ایران این مسایل فرعی را به امری تعیین‌کننده برای مصاف با رژیم جمهوری اسلامی بیان می‌کند. طرح این خواست‌ها تنها برای جلب محافل محدود و پر سر و صدائی است که هدف‌شان در شرکت در این جمع منحرف کردن مضمون سیاسی و طبقاتی یک مبارزه انقلابی اجتماعی است. این بند نیاز به بحثی بسیار عمیق‌تر حتی در میان آگاهان سیاسی و اندیشمندان ایرانی دارد که در این مختصر قصد نداریم به مضمون آن وارد شویم. مستخرجی از بیانیه حزب کار ایران (توفان). بخش پنجم. ادامه در شماره آینده *



شکست اپوزیسیون سرسپرده به امپریالیسم!

«مریم معمارصادقی»، مدیر «شبکه توانا»، بارها بی پروا از جنگ و توحش و بربریت، حمله نظامی و خشونت و خونریزی به ممالک ضعیف حمایت کرده و آنرا یک «ضرورت تاریخی برای کسب آزادی» تئوریزه کرده است. وی از تشدید تحریم‌های اقتصادی و بمباران نظامی ایران حمایت می‌کند و با دلارهای پنتاگون در قالب «حقوق بشر و دموکراسی» عریبه می‌کشد. «مریم معمارصادقی» یک زن تبهکار ضدایرانی و نوکر پیمان نظامی ناتو و خواهان تشدید تحریم‌های اقتصادی و تجاوز نظامی به ایران است، اگرچه این سیاست ارتجاعی تا کنون با شکست روبرو شده است.

این روزها کم نیستند ایرانیانی که به پست وزارت و وکلالت و نمایندگی مجلس در ممالک غربی رسیدند و از دول اروپائی و آمریکائی می‌خواهند که هرچه سریع‌تر حمله نظامی را به ایران آغاز کنند. بخشی از این ایرانیان خودفروخته در احزاب جمهوری خواه و دمکرات آمریکا و کانادا و یا احزاب محافظه کار و «چپ» و سوسیال دمکرات اروپائی عضو هستند و در پارلمان‌های این ممالک جولان می‌دهند. البته همه این جریانات اکنون با مذاکرات پشت پرده غرب با رژیم ج ا دچار ورشکستگی و یأس شده‌اند. سلیلی فرقه رجوی در تیرانا توسط آمریکا در همین چهارچوب قابل تبیین است.

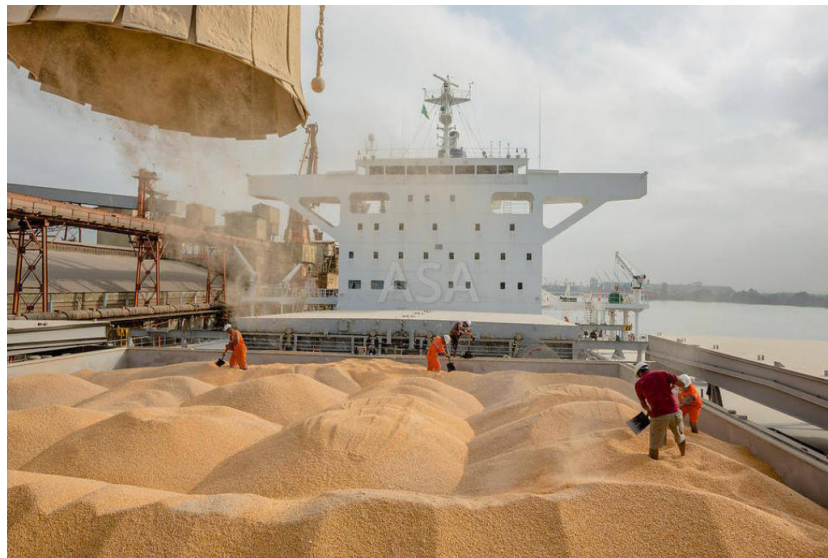
در سوئد افرادی نظیر «اردلان شکرابی»، عضو رهبری حزب سوسیال دمکرات و نماینده مجلس، «علی آخوندی»، عضو

حزب سنتر، نماینده مجلس و «رومینا پورمختاری»، نماینده حزب لیبرال وزیر محیط‌زیست.... اینها همگی از سیاست آمریکا و ناتو علیه ایران حمایت کرده و می‌کنند و خواهان تشدید تحریم‌های اقتصادی و جنگ علیه مردم ایران‌اند.

«علی آخوندی»، عضو حزب سنتر» که این روزها در نقش «عیسی مسیح» ظاهر شده است. وی چندین بار مقابل پارلمان اروپا در استراسبورگ فرانسه همراه با مشت‌های ایرانی وطن‌فروش و گمراه دست به تظاهرات زدند و از اتحادیه اروپا و ناتو خواستند تا با تشدید تحریم‌های اقتصادی و نظامی به «رژیم تروریستی» ایران حمله نظامی کنند! نخستین گام برای چنین هدفی درخواست قرارداد سپاه درلیست تروریستی بود که از همان آغاز از طرف رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، «بورل»، رد شد.

همه این ایرانی‌های وطن‌فروش از حمله ناتو به لیبی دفاع کردند و امروز نیز بی‌شرمانه خواهان چنین سناروئی برای مردم ایران‌اند. اگر امروز ایرانی‌ها را به دو دسته «باشرف» و «بی‌شرف» تقسیم کنیم، اینها بدون اما و اگر متعلق به دسته دوم، یعنی «بی‌شرف‌ها» هستند!

تردید نیست که رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی باید توسط مردم ایران ساقط شود و رژیم در ایران مستقر گردد که به نان، کار، مسکن، آزادی و عدالت اجتماعی پاسخ گوید. هیچ نیروی امپریالیستی و استعماری دلسوز ملت ایران نبوده و نخواهد بود، این را تاریخ بارها نشان داده و کسانی که نمی‌خواهند از این تاریخ درس بگیرند، خائن به ملت و در بهترین حالت احمق و نادان هستند. *



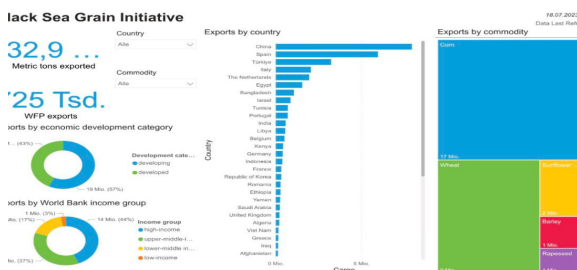
دغل بازی و دورویی شیوه متداول رسانه‌های غربی

در حاشیه قرارداد «حمل غله اوکراین» از طریق دریای سیاه

چند روز پیش دولت روسیه اعلام کرد که قرارداد «حمل غله اوکراین» از طریق دریای سیاه را، که با میانجی‌گری دبیر کل سازمان ملل و «اردوغان» در تاریخ ۲۰۲۲/۶/۲۲ منعقد کرده بود، دیگر تمدید نخواهد کرد، امری که به خودی خود درخور انتقاد است. اما آن کسانی که در این رابطه می‌کوشند گناه گرسنگی در کشورهای فقیر را در بست به گردن روسیه بیندازند، عملاً دغل‌باز و دورو هستند. زیرا طبق آمار سازمان ملل متحد تاکنون جمعاً ۳٪ از غلات صادر شده از اوکراین طی یکسال گذشته را کشورهای که از سوی بانک جهانی جزو کشورهای فقیر طبقه‌بندی شده‌اند، دریافت کرده‌اند. اما ۸۱٪ از غله صادر شده از اوکراین به کشورهای ثروتمند غربی و چین تحویل داده شده‌اند که به طور عمده برای تأمین خوراک دام مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تقسیم ناعادلانه می‌توانست با یک اشاره آمریکا و سایر دول اروپایی تغییر پذیرد، ولی نشد. زیرا اینکه غله به کجا صادر میشود، برای آنها در درجه دوم اهمیت قرار دارد، مهم پولی است که می‌بایست از قبیل صادرات غله در اختیار «زلنسکی» قرار گیرد تا قادر به تأمین مخارج ماشین جنگی‌اش گردد. اما رسانه‌های گوش‌خراش اروپا، از جمله آلمان، برای اینکه احساسات مردم را علیه «پوتین» برانگیزاند، اخبار را دست‌کاری می‌کنند و یک مشت دروغ تحویل آنها می‌دهند.

برای نمونه در برنامه اخبار کانال یک تلویزیون آلمان (که البته سایر فرستنده‌ها هم فرقی با آن ندارند) در رابطه با انقضای «قرارداد حمل غله» از اوکراین از جانب روسیه می‌آورد: «این امر وحشتناک‌تر از همه‌گریبان مردم گرسنه کشورهای شرق آفریقا، افغانستان و یمن را که نیاز مبرم به این غله دارند، خواهد گرفت»!! مجله «اشیگل» نیز در همین رابطه تیر می‌زند که «پوتین با گرسنگی بازی میکند»!! و خانم «آنالنا بربوک»، وزیر بی‌شخصیت و نالایق آلمان، همصدا با رسانه‌های گوش‌خراش و گوش به فرمان، در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در این رابطه به «پوتین» هشدار می‌دهد که «دست از استفاده از گرسنگی به مثابه اسلحه بردارد»!! او با بیان این مهمات نه تنها قله دورویی را، که قله وقاحت را نیز فتح می‌کند.

برای روشن شدن حقیقت بد نیست که به ارقام رسمی، که سازمان ملل در این رابطه منتشر کرده است، رجوع کنیم: **سودان** - که در زمره کشورهای فقیر محسوب میشود - در چارچوب «قرارداد حمل غله از اوکراین» تنها ۹۵ هزار تُن غله دریافت کرده است. این در حالی است که این کشور طی سال گذشته جمعاً ۷/۲ میلیون تُن غله وارد کرده است که بخش اعظم آن همانند سال‌های گذشته از کشور روسیه بوده است.



کشور یمن نیز در سال گذشته ۲۶۰ هزار تُن غله از اوکراین وارد کرده است، در حالی که حجم کل غله وارداتی این کشور طی همین مدت ۴ میلیون تن بوده است. به بیان دیگر قرارداد مذکور تنها ۶٪ از مایحتاج این کشور را تأمین کرده است. علی‌رغم این مردم یمن در تابستان سال گذشته با کمبود غله مواجه بودند. آن هم نه به خاطر ناچیز بودن حجم غله وارداتی از اوکراین، بلکه یکم به علت تحریم بودن روسیه که اجازه صدور غله به یمن را نداشت و دوم به علت افزایش قیمت غله بود. البته بخشی از این کمبود از کشورهای استرالیا و هند وارد شد.

می‌بینیم که حجم صادرات غله در چارچوب «قرارداد حمل غله از اوکراین» به یمن فاقد اهمیت بود. به همین نسبت قرارداد مذکور برای افغانستان نیز کم اهمیت

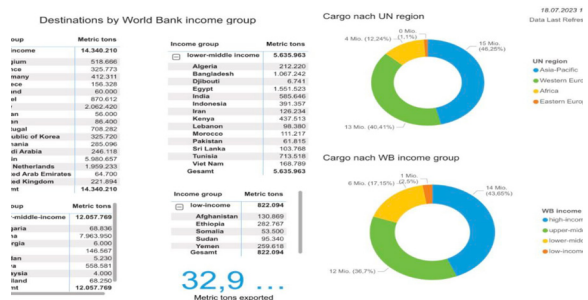
صنعتی شرق این کشور که به دست روسیه افتاده است، در حال حاضر کشور اوکراین در زمینه صادرات عملاً به یک کشور کشاورزی تنزل یافته است.

اینکه روسیه در نظر دارد که این مهم‌ترین منبع درآمد اوکراین را بخشکند، قابل درک است. ولی از سوی دیگر واقعیت این است که هر دلاری که اوکراین در اثر عدم امکان صادرات غله از دست می‌دهد، باید پشتیبانان غربی‌اش آن را تأمین کنند تا ماشین جنگی اوکراین (بخوان ناتو) از کار نیفتد و آنها بتوانند «روسیه را شکست دهند»؟! این است دلیل اصلی و اساسی که «پوتین» و روسیه را مورد غضب مضاعف سران ناتو قرار می‌دهد و دستگاه‌های عریض و طویل رسانه‌ای‌شان موظف می‌گردند با پخش دروغ و سیاستی ریاکارانه «پوتین» و روسیه را بی‌آبرو سازند. بنابر این علت اصلی مخالفت غرب با عدم تمدید «قرارداد حمل غله از جانب روسیه»، گرسنگی کودکان در آفریقا و آسیا، که خود محصول ده‌ها سال استعمار، استثمار و غارت آنهاست، نیست که امروز به عنوان ابزار از آنها در رسانه‌ها سوءاستفاده می‌شود، بلکه «قربانی اصلی» - علاوه بر مردم ستمدیده اوکراین - خود غرب است که باید بازم صد‌ها میلیارد دلار از جیب مبارک بسلفند!! این آن مشکل اساسی است که به مذاق «جو بایدن»، «ریشی سوناک»، «آنالنا بریوک» و ... خوش نمی‌آید. به همین دلیل آنها فعلاً خود را موظف به ادامه این سیاست ریا و تزویر می‌بینند، زیرا واقعیت این است که کشور آمریکا، که حجم صادرات غله‌اش علی‌الاصول دو برابر اوکراین است و بیش تر هم می‌تواند باشد. اما در حال حاضر طبق گزارش وزارت کشاورزی این کشور صادرات ذرت در سال گذشته به شدت کاهش یافته است. دلیل آن را نیز کاهش چشم‌گیر تعداد قراردادهای و پایین رفتن قیمت ذرت وانمود کرده‌اند. اما در این رابطه سازمان WWF (World Wide Fund for Nature) = (صندوق جهانی برای طبیعت) دست سرمایه‌داران کلان آمریکا را رو کرده و در این رابطه نوشته است که در سال گذشته در آمریکا ۱۴ میلیون تن ذرت را در مزارع به دلایل زیر عمداً نابود کرده‌اند، زیرا که مقرون به صرفه نیست:

- « یکم مخارج بالای محصول برداری،
- « دوم مخارج حمل و نقل و
- « سوم کاهش قیمت در بازار.

لازم به تذکر است که این مقدار ذرت نابود شده، آن هم به دلیل «مقرون به صرفه» نبودن، تقریباً ۳۰ برابر بیش از مقدار کل غله‌ای است که کشورهای مورد اشاره تلویزیون کانال یک آلمان توانستند از اوکراین وارد کنند! *

بود. کل واردات غله این کشور از اوکراین در چارچوب قرارداد حمل غله اوکراین با روسیه ۱۳۱ هزار تن بوده است که حدود ۳٪ از کل واردات غله این کشور را در برمی‌گرفت. این امر نیز به طور غیرمستقیم به ابتکار سازمان تغذیه جهانی سازمان ملل انجام پذیرفت. چون افغانستان اصولاً از اوکراین غله وارد نمی‌کند. مضافاً اینکه افغانستان غله مورد نیاز خود را نه از طریق دریا، که به طور عمده از طریق کشورهای همسایه نظیر پاکستان، ترکمنستان و قزاقستان تأمین می‌کند.



به بیان ساده‌تر ۳ کشور فقیر سودان، یمن و افغانستان در سال گذشته در سایه قرارداد مورد نظر جمعاً ۴۸۶ هزار تن غله از اوکراین وارد کرده‌اند. این رقم برابر است با نیمی از مقدار غله‌ای که مثلاً کشور اسرائیل در سال گذشته از اوکراین وارد کرده است!

جالب‌تر اینکه تنها کشور اسپانیا در چارچوب قرارداد مذکور در سال گذشته ۶ میلیون تن غله از اوکراین وارد کرده است. این رقم ۱۲ برابر بیش از مقدار غله‌ای است که به ۳ کشور فقیر مورد نظر تلویزیون کانال یک آلمان، که با نشان دادن عکس‌های کودکان گرسنه در حال مرگ می‌کوشد گناه را به طور کامل به گردن روسیه بیاندازد و به این ترتیب قله تزویر و ریا را فتح می‌کند.

در اسپانیا کودک گرسنه کم‌تر یافت می‌شود، ولی تا دل‌تان بخواهد خوک موجود است. خوک‌هایی که خوراک‌شان گندم وارداتی از اوکراین است و ژامبون و کالباس‌شان در یخچال‌های سوپرمارکت‌ها و منازل اروپایی به وفور یافت می‌شود! پس ملاحظه می‌کنید که رسانه‌های مزور مشکل اصلی‌شان نه کودکان آفریقایی و آسیایی بلکه شکم خودشان است!

اما نکته مهم‌تر این است که درآمد حاصله از صادرات غله برای صندوق خالی دولت ورشکسته اوکراین، که باید از پس هزینه سنگین جنگی برآید، از نان شب واجب‌تر است، زیرا با از دست دادن درآمد ذغال سنگ، فولاد و سایر محصولات



جنون تسلیحاتی

توسط روسیه در ۲۰۱۴ تاکنون بودجه نظامی خود را بیش از دو برابر افزایش داده‌اند. «در سال ۲۰۲۲ تنها کشور اوکراین ۴۴ میلیارد دلار بودجه نظامی داشته است که نسبت به سال ۲۰۲۱ افزایشی ۶۴۰ درصدی داشته است»؛ پدیده‌ای که تاکنون در هیچ کشوری در عرض یکسال رخ نداده است.

مضافاً اینکه این رقم بیش از یک‌سوم تولید ناخالص ملی این کشور را می‌بلعد. این ارقام بیانگر این واقعیت هستند که تا چه حد پایان جنگ کنونی و دستیابی به صلح برای این کشور و نیز کل اروپا حائز اهمیت است. البته دستیابی به صلح، آمادگی روسیه را نیز برای آغاز مذاکرات می‌طلبد. کل هزینه نظامی روسیه در سال گذشته، علی‌رغم اینکه جنگ اوکراین ۳۴ درصد بیش‌تر از بودجه جنگی در نظر گرفته شده، هزینه برداشته است، با افزایش ۲/۹ درصد به ۸۶ میلیارد دلار رسیده است که در مجموع ۶/۴ درصد تولید ناخالص ملی این کشور را دربرمی‌گیرد. در این میان کشور اوکراین، که توسط امپریالیسم آمریکا تسلیح می‌شود، عملاً در راستای تجزیه روسیه، قربانی نقشه‌های رذیلانه و محیلاته اربابش می‌گردد. آنکه در اصل مقابل روسیه قرار گرفته است، در درجه اول آمریکاست که در سال ۲۰۲۲ بودجه نظامی‌اش ۱۰ برابر روسیه بوده است. آمریکا در سال گذشته، که بودجه نظامی خودش ۸۷۷ میلیارد دلار بوده است، تنها ۲۰ میلیارد دلار اسلحه روانه اوکراین کرده است. در این رابطه چین با ۲۹۲ میلیارد هزینه نظامی (یک سوم آمریکا) در همان سال در سطح جهان در مقام دوم قرار داشت. البته هزینه نظامی این کشور از سال ۱۹۸۹ پیوسته رو به افزایش بوده، به قسمی که این رقم نسبت به سال ۲۰۱۳ قریب به ۶۳ درصد رشد داشته است. هند نیز با ۸۱،۴

انبارهای اسلحه در جهان امپریالیستی، بویژه از آغاز جنگ اوکراین، به سرعتی جنون‌آسا در حال افزایش است. امپریالیست‌ها و در رأس آنها آمریکا به خاطر حفظ سلطه و افزایش منافع‌شان روز به روز بر تجهیزات نظامی خود و اقمارشان می‌افزایند و از این راه نیز میلیارد دلارها سود به جیب سهام‌داران کنسرن‌های اسلحه‌سازی سرازیر می‌سازند.

«انستیتو بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم (SIPRI)» در تازه‌ترین آماري که پیرامون هزینه‌های نظامی در جهان منتشر کرده است، آمار تکان‌دهنده‌ای ارائه می‌دهد. در سال ۲۰۲۲ حجم این هزینه‌ها با افزایش ۷/۳ درصد به رقم نجومی و باورنکردنی ۲۲۴۰ میلیارد دلار رسیده است. این حجم از تسلیحات نظامی گویای این واقعیت است که تنش، که ناتو به رهبری آمریکا بر علیه چین و روسیه آفریده، پیوسته رو به افزایش است. در مجموع ۵۶٪ این افزایش هزینه مربوط به ناتو، روسیه و چین است که خود حکایت از آغاز جنگ سرد نوین در جهان دارد و بیم آن می‌رود که به جنگ گرم نیز تبدیل گردد. بر این رقابت دیوانه‌وار باید رقابت و شاید هم جنگ سایبری جهان را در آینده افزود. سهم اروپا از این رشد ۱۳ درصد است، ولی آنچه که در این رابطه بیش از همه به چشم می‌خورد، کشور فنلاند، عضو جدید ناتو است. «فنلاند در سال گذشته به یکباره ۳۶ درصد به بودجه نظامی خود افزوده است. کشورهای لیتوانی با ۲۷ درصد و سوئد با ۱۲ درصد افزایش در مقام‌های دوم و سوم قرار دارند». بسیاری از کشورهای سابق بلوک شرق از زمان تصرف جزیره کریمه



چند کلام پیرامون «اصلاح طلبان» وائمه جمعه و جماعات!

در ابتدا و بدون معطلی باید گفت که تار و پود وجود هر دوی این جماعت کلاش و حيله گر در حمايت و طرفداري از نظام سرمايه داري، عشق به پول، ثروت و مفت خوري، دشمني با کارگران و زحمتکشان و کمونیست‌ها و نیروهای مترقی و آزادی خواه، بافته شده است و از این منظر، در حد اعلام ریاکار، عوام فریب و بی رحم هستند!

«اصلاح طلبان»، شبانه روز در بیش از ۴۰ نشریه و مجله و روزنامه نظیر «اعتماد»، «انتخاب»، «هم میهن»، «شرق»، «آرمان امروز» و «اندیشه نو» و غیره و در مجموعه‌ای از انواع نشریات و خبرنگاران وابسته و نان خور «اتاق بازرگانی» مثل «مجله اتاق بازرگانی»، «بولتن خبری اتاق ایران» و «اتاق خبر آنلاین» و سایت‌های فضای مجازی، مانند «سحام نیوز»، «خبر آنلاین» و غیره به قلم فرسائی، ماله کشی و دروغ پردازی و اخبار انحرافی مشغول اند!

«اصلاح طلبان»، دزدان با چراغ اند! اینان از زمان «رفسنجانی» سیاست اقتصادی نئولیبرالیسم غربی‌ها و «بازار آزاد» را پذیرفتند و با هر گونه دخالت دولت و «اقتصاد دستوری» مخالفت کردند و می کنند و چون در این راه چابیدند و فربه گردیدند، چنان شیفته آمریکا و اروپا شدند که کمترین سیاست نزدیکی به «شرق»، حتی فقط در حد حرف را، با جیغ بنفش فریاد برمی آورند و در بیانه‌های خود می نویسند:

«سیاست شرق گرایی یکسویه و غرب ستیزی افراطی و انکار روابطی متوازن با کشورها و قدرت‌های جهانی، بدون توجه به الزامات ژئوپولیتیکی ایران، خسارت غیرقابل جبرانی را به منافع کشور وارد ساخته و هزینه‌های گزافی را تحمیل می نماید!»

میلیارد دلار در مقیاس جهانی در مقام چهارم قرار دارد. ژاپن که بر اساس قانون اساسی اش سال‌ها سیاستی پاسیفیستی دنبال می کرد، در سال گذشته با حرکت از سیاست تحریک آمیزش علیه چین، به دستور اربابش آمریکا ۴۶ میلیارد دلار به بودجه نظامی اختصاص داد که برابر است با بودجه نظامی کره جنوبی که در رده بندی جهانی در مقام نهم قرار دارد. شایان ذکر است که امپریالیسم ژاپن در نظر دارد که بودجه نظامی اش را طی ۵ سال آینده به دو برابر ارتقا دهد.

امپریالیسم میلیتاریستی انگلستان با ۶۸،۵ میلیارد دلار بودجه نظامی در مقام ششم، آلمان با ۵۸،۵ میلیارد دلار در رتبه هفتم و فرانسه با ۵۳،۵ میلیارد دلار در رده هشتم قرار گرفته اند. در میان این ۳ کشور، گرچه دولت آلمان با ۳۳ درصد افزایش هزینه نظامی از سال ۲۰۱۳ تاکنون بیشترین رشد را داشته است و در حال حاضر ۴/۱ درصد تولید ناخالص ملی اش را تشکیل می دهد، ولی طبق دستور ناتو (آمریکا) باید در آینده نزدیک آن را به دو در صد برساند. در همین رابطه وزیر دفاع آلمان اخیراً اعلام کرده است که تا سال ۲۰۲۵ بودجه نظامی آلمان ۸۰ میلیارد دلار به خود اختصاص خواهد داد. از هم اکنون مشهود است که منابع درآمد دولت آلمان کفاف چنین افزایشی را نمی دهد، لذا یا باید به چاپ پول، که ناگزیر تورم بیش تر را با خود به همراه دارد، اقدام ورزد و یا از بودجه‌هایی که به محیط زیست و یا تأمین اجتماعی اختصاص داده شده است، بکاهد. به بیان دیگر تشدید سیاست ضد مردمی نئولیبرالی ریاضت اقتصادی که در هر دو حال به فربه تر شدن اغنیا و فقیر تر شدن توده مردم خواهد انجامید. به این ترتیب جهان شاهد است که از بعد از پایان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و پیمان ورشوی آن و به طریق اولی، پایان جنگ سرد، امپریالیست‌های ناتوی به رهبری آمریکا، به عوض گام برداشتن در راه صلح، ثبات، تنش زدایی و دوستی، برای حفظ و ادامه سلطه و استمرار سیاست نواستعماری، به آرایش نظامی بی سابقه و روزافزونی جهان را با تحریک، تهدید، تحریم، جنگ، تجاوز کودتا و... مواجه ساخته و خود را برای برافروختن آتش جنگ جهانی سوم و شاید هم درگیری هسته‌ای نابود سازنده آماده می سازند. از این منظر به دیده ما وظیفه کلیه احزاب کمونیستی، گروه‌ها و نیروهای انقلابی ملی و مترقی افشای همه جانبه این توطئه ضد بشریست.

به نظر حزب ما یکی از خواست‌های مهمی که امروز می بایست به خواست همه مردم جهان تبدیل شود، انحلال فوری سازمان جهنمی ناتو و نیز پایان دادن به افزایش ماریجی سلاح‌های متعارف و هسته‌ای در سراسر جهان است. *

بد نیست بر روی همین جمله «شرق گرایی یکسویه و غرب ستیزی افراطی» مکتبی بکنیم!

اولا، این نوع سیاست «شرق گرایی» جمهوری اسلامی، که فعلا نه سر دارد و نه دُم، بیش تر به مضحکه شبیه است، تا به یک سیاست واقعی!

ثانیا، سیاست های جنگ افروزانه اربابان آمریکائی و غربی شماها در جهان و خصوصا در منطقه و تحریم های جنایت کارانه آنها سبب نزدیکی و هم سوئی و ارتباط با شرق شده است، و گرنه غاصبان انقلاب ۵۷ صدها بار زرنک تر، باهوش تر و ریاکارتر و غرب گراتر از امثال شما نوکیسه ها بودند و هستند! نزدیکی کمی تا قسمتی به چین و روسیه و ادعای مضحک مالکیت کشور امارات در بیانیه چین و شورای همکاری خلیج فارس، که از تاریخ شکل گیری کشور امارات کمی بیش از ۷۰ سال می گذرد، چنان فریادتان را به آسمان بلند کرد که درباره ادعای مالکیت امارات بر سه جزیره تنب بزرگ، کوچک و ابوموسی از طرف آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و دیگر کشورهای ریز و درشت غربی، کر و کور و لال شدید و کم ترین اعتراضی نکردید و نمی کنید؟!

مشکل شما اصلاح طلبان، ستون پنجم دشمنان خارجی، دفاع از تمامیت ارضی و حفظ حاکمیت ملی ایران نیست، و گرنه مقابله با جنایات فراوان آمریکا و انگلیس در صد و اندی سال اخیر و اعتراض به سخنان «اوباما»، که ایران را کشوری «یاغی» نامید، «دونالد ترامپ»، که «برجام» را پاره کرد و مردم ایران را «تروریست» خواند و «جرج بوش» پدر و پسر «جنایتکار» که منطقه را به خاک و خون کشید و ایران را محور «شرارت» نامید، نمی توان «غرب ستیزی افراطی و انکار روابطی متوازن با کشورها و قدرت های جهانی» دانست؟! خوب است به این سخنان «ظریف» در سفر به کویت در ۱۱ آذر ماه سال ۱۳۹۲ برابر با سال ۲۰۱۳ میلادی در کنفرانس خبری توجه بفرمایید: **«ایران درباره مالکیت بر جزیره ابوموسی آماده مذاکره است»**. چرا در برابر چنین اظهاراتی، آن هم از جانب «ظریف»، وزیر امور خارجه اسبق و اصلاح طلب، در کنفرانس خبری و نه در محفل خصوصی، که در باطن امر، هیچ فرقی با اقدامات وطن فروشانه قاجار و پهلوی ها ندارد، صدایتان در نمی آید؟!

شما اصلاح طلبان، سرسپردگان غرب، ضدایران و ایرانی و بدون رودریاستی، خواهان تسلیم ایران به آمریکا و غرب مثل زمان پهلوی ها هستید که نامی به جز وطن فروشی بر آن نمی توان گذاشت!

اما ببینیم امامان جمعه و جماعات از چه صیغه ای هستند؟

این جماعت، که به قول سعدی «نظر حرام بکردند و خون خلق حلال» اگر چه بی سواد، عقب افتاده و دارای عقایدی به غایت ارتجاعی و برآمده از قرون وسطی هستند، اما بی اندازه بی رحم،

غدار و عوام فریب و ریاکارند! آنقدر حدیث و روایت دارند که قادرند در پیش عوام، ماست را سیاه و ذغال را سفید و چهره خمینی را در ماه نشان دهند! این غاصبان انقلاب عظیم سال ۵۷، جمعه ها در ۹۰۰ شهر ایران چرندیاتی به خورد مردم می دهند که خطابه های شان هم مایه خنده است و هم زمینه مناسب برای طنز ساختن! و چنان نادانی و جهالت شان را آشکارا به معرض عموم می گذارند که به قول حافظ «عرض خود می برند و زحمت ما می دارند».

به چند نمونه نگاهی بیندازیم .

امام جمعه اهواز: «پیش از انقلاب حتی نان و پیاز هم به سختی بر سر سفره مردم پیدا می شد، با این حال هر خانواده ۱۰ الی ۱۵ فرزند داشتند...»

امام جمعه تهران: «مردم ایران غیرت دینی دارند و برای کشف حجاب بیشتر از گرانی نگران هستند».

«محمدباقر فرزانه»، امام جمعه موقت و نه دائمی مشهد، «رابطه عجیبی بین بی حجابی و شعله ور شدن غریزه جنسی وجود دارد که زمینه ساز طلاق ها و آسیب های اجتماعی است».

«علم الهدی»، امام جمعه دائمی مشهد: «در رژیم شاه پنج جوان در تهران از سوی یک زن برهنه و مست آمریکائی کشته شدند. بروید خبرش را بخوانید».

«جناب محسن خان قرائتی»، شومن حوزه علمیه، هم فرمودند «در ازدواج عجله کنید! من موافق ازدواج دیرستانی ها هستم». ما دیگر از کتاب «حلیته المتقین»، «محمدباقر مجلسی» و ۱۳ جلد کتاب درباره احکام بیت الخلا و از رسالات و توضیح المسائل آیات عظام، علمای اعلام و عالمان «علوم» در احکام بول و غائط و شب زفاف و جفنگیاتی از این دست، سخنی نمی گوئیم روحانیون در طول تاریخ، به استثنای عده ای انگشت شمارشان، نه درد وطن داشتند و نه اعتقادی به ملت! آنها خاک و زمین مکه، مدینه، کربلا، نجف، سامره و قبرستان بقیع را با تمام پهنه ایران و تاریخ هزاران ساله اش عوض نمی کنند! آنها به دنبال «امتی» هستند که مطیع و غلام و برده باشند. روزی ۱۷ رکعت نماز بخوانند و ماه های سال را در نماز، روزه و عبادت و گریه و زاری سپری کنند و در پرداخت خمس و ذکات و مال امام و غیره تردیدی بخود راه ندهند!

چندی قبل «محمدحاجی ابوالقاسمی دولابی»، نماینده ویژه «ابراهیم رئیسی» در امور روحانیت گفتند:

«دولت های ما در گذشته کارنامه خوبی در حمایت از نهادهای دینی از خود بر جای نگذاشتند و امروز از ۷۵ هزار مسجد در کشور، درب ۵۰ هزار مسجد بسته است. و این فاجعه ای است که باید بر آن خون گریست».

همه این «فجایعی» که «دولابی» از آن خونین جگرست، از نشانه های صبح سحرست که بزودی در پی انقلابی مردمی و دموکراتیک آینده، آن ۲۵ هزار تا مسجد نیمه باز هم به سالن های ورزشی، به کتابخانه و جلسات کنفرانس و تبادل اندیشه ها تبدیل خواهند شد! چنین باد! *



بانک توسعه صادرات ایران

EDBI

سخنان عجیب یک بانکدار:

«دوچرخه سواری، یعنی مرگ آرام اقتصاد جهانی»!؟

مدیر کل بانک Exim که به عنوان بانکی تسهیلاتی و تخصصی در زمینه صادرات - واردات در اغلب کشورهای دنیا، از جمله در ایران تحت نام «بانک توسعه صادرات» فعالیت دارد، طی سخنانی، که در سایت خبری - تحلیلی «بولتن نیوز» با کد خبری ۷۷۰۸۵۶ آمده، صحبت‌هایی بر زبان راند که تعجب خوانندگانی را برانگیخت که از ماهیت و عملکرد نظام سرمایه‌داری بی‌اطلاع و یا کم‌اطلاع هستند؛ ولی به هیچ‌وجه سبب حیرت و شگفتی نیروهای ضد سرمایه‌داری و ضد امپریالیستی را، که بیش از یک قرن عملکرد ضد انسانی و ضد طبیعتِ چنین سیستمی را فریاد زدند و می‌زنند، نشد!

می‌دانیم که نیاز به کسب هرچه بیش‌تر سود و انباشت سرمایه در اقتصاد سرمایه‌داری و برای سرمایه‌دار به همان اندازه حیاتی است که یک موجود زنده به اکسیژن و تنفس نیاز دارد. منتها تفاوت بین این دو در این است که اولی با جنگ و کشتار، با تخریب و آلوده ساختن طبیعت و با ریاکاری و رباخواری و با استثمار به حیات خود ادامه می‌دهد؛ ولی موجود زنده برای تنفس کردن و زنده ماندن با هیچ‌کسی سر جنگ و دعوا ندارد. گفتن این نکته نیز ضروری است که اگر هوا را از موجود زنده و ابزار تولید و سرمایه از سرمایه‌دار گرفته شود، هر دو خواهند مُرد!

بنا به گزارش «بولتن نیوز»، مدیر کل بانک Exim اظهار داشته است که:

«یک دوچرخه‌سوار برای اقتصاد کشور فاجعه‌بار است. چونکه او ماشین نمی‌خرد، برای خرید ماشین وامی هم نمی‌گیرد، پولی بابت بیمه ماشین نمی‌پردازد، سوخت هم نمی‌خرد، پولی هم بابت پارکینگ پرداخت نمی‌کند! و در ادامه می‌افزاید که اصولاً افراد سالم برای اقتصاد سرمایه‌داری فایده‌ای نداشته و لازم هم نیستند! چونکه پولی برای دارو و درمان و هزینه بیمارستان نمی‌پردازند! آنها به باشگاه ورزشی و داروهای لاغری نیاز ندارند، چون چاق نمی‌شوند! دوچرخه‌سوار هیچ چیز به تولید خالص ملی نخواهد افزود! در نقطه مقابل، هر رستوران «مک دونالد» علاوه بر کارکنان شاغل‌اش، حداقل ۳۰ شغل ایجاد می‌کند: ۱۰ متخصص قلب، ۱۰ دندان‌پزشک، ۱۰ متخصص تغذیه و این مسئله‌ای است که ارزش در نظر گرفته شدن دارد»!؟

سخنان جناب مدیر کل بانک «اکزیم» اعتراف آشکاری است به ماهیت و طرز تفکر یک سرمایه‌دار، یک بانکدار و یا یک کارخانه‌دار و امثالهم که هر کس و هر چیزی را با معیار پول و کالا مورد ارزیابی قرار می‌دهد و انسان و طبیعت را در پای سودجویی و منفعت‌طلبی قربانی می‌کند و انسانیت و عدالت و نوع‌دوستی را به هیچ می‌انگارد!

نتیجه و ماحصل چنین تفکری چیزی به جز جنگ و کشتار، فقر و گرسنگی، بردگی و آوارگی نیست! بی‌جهت نیست که و.ای. لنین می‌گوید: «تمامی تاریخ سرمایه، تاریخ ستمگری و غارت و تاریخ خون و دنائت است»!

نگاهی به تاریخ معاصر امپریالیست‌های جنگ‌افروز و غارت‌گر، صحت نظرات فوق را عیان می‌سازد!

بیش از صد میلیون کشته و زخمی و آواره در جنگ اول و دوم جهانی، بمباران اتمی دو شهر ژاپن، جنگ کره و تقسیم آن به شمال و جنوب، جنگ ویتنام، حمله نظامی و ۲۰ سال اشغال افغانستان، تجاوز نظامی به عراق، لیبی، سودان، سومالی، سوریه و بسیج حدود ۵۰ کشور امپریالیستی «ناتو»، این «راهزنان بین‌المللی آتلانتیک شمالی» به رهبری آمریکا، به اوکراین و ارسال بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار انواع سلاح‌های مرگبار به حاکمان فاشیست اوکراین با هدف شکست ملت قهرمان روس و تجزیه کشور روسیه و غارت منابع و ثروت آن شواهدی محکم و انکارناپذیرند. اگرچه امپریالیست‌ها در همه این جنگ‌ها طرفی نیستند و در جنگ با روسیه هم موفقیتی به دست نیاوردند و نخواهند آورد، ولی از آنجائی که جنگ‌افروزی و سودجویی جزء سرشت و خوی ذاتی سیستم سرمایه‌داری است، لذا علی‌رغم شکست نظامی و تسلیحاتی



در اوکراین، از رو نرفتند و تصمیم گرفتند بمب‌های مخرب و خطرناک خوشه‌ای ارسال کنند؛ بمب‌هایی که به دلیل تلفات غیرنظامیان، خصوصاً کودکان، از طرف بیش از ۱۲۰ کشور جهان، منهای آمریکا و اوکراین، هرگونه تولید، استفاده، انتقال و ذخیره‌سازی آن ممنوع شده است!

لازم است گفته شود که ۴۰ درصد این نوع بمب‌ها بلافاصله منفجر نمی‌شوند، بلکه به صورت مین‌های زمینی عمل می‌کنند و چون بخشی از این مهمات منفجر نشده شبیه به توپ و اسباب بازی هستند، برای کودکان بسیار مرگبار خواهند بود! تصمیم «ناتو» به رهبری آمریکا، برای ارسال بمب‌های خوشه‌ای به اوکراین، نشان‌دهنده این است که امپریالیسم آمریکا برای اقدامات جنگ‌افروانه خود در جهان، هیچ حد و مرزی قائل نیست!

امپریالیسم آمریکا از بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بیش از اندازه پا را از گلیم خود درازتر کرده است.

ارتش آمریکا پس از دهه‌ها سال جنگ‌افروزی، ناتوان و ضعیف شده است. بدهی وحشتناک، خصوصاً بدهی به چین، مشکل مواد مخدر و مرگ و میر بیش از ۷۰ هزار نفر فقط در سال ۲۰۲۱ در اثر اعتیاد و مصرف ماده مخدر خطرناک «فتانیل»، تیراندازی‌های هر روزه در ایالات مختلف آمریکا، نارضایتی و اعتراضات مردم آمریکا به تورم و گرانی و فقر و بی‌خانمانی و اختلافات شدید در هیأت حاکمه و فقدان رهبری و مدیریت عقلانی در کاخ سفید، آمریکا را به سمت زوال و افول در زمینه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشانده و می‌رود تا که هژمونی‌اش را در جهان از دست بدهد!

سخنان ضدانسانی مدیر کل بانک «اکزیم»، ارسال بمب‌های خوشه‌ای و ممنوع‌شده به اوکراین و سیاست‌های تجاوزکارانه و ضد مردمی دولت مردان آمریکائی، حکایت دارد از تلاش‌های مذبح‌خانه و در حال احتضار امپریالیسم آمریکا و اذتاب‌اش! جهان به سمت دنیای چندقطبی در حال گذار است. برای احزاب و سازمان‌های م. ل. واضح و مبرهن است که جهان چندقطبی، مطمئناً جهانی مملو از گل و بلبل نخواهد بود، اما دست‌آورد مهم آن برای ملت‌های تحت ستم، رهائی از یوغ استعمار، بلای جنگ، بلای تحریم و برخورداری از تعامل سازنده بین کشورها و مهم‌تر از همه عرصه برای نیروهای انقلابی و مترقی در پیگیری و مبارزه برای مطالبات و خواسته‌های طبقاتی خلق‌ها در جهان فراهم خواهد شد و ره‌آوردی درخور اندیشدن!*

بیانیه در محکومیت حملات ارتش صهیونیستی به اردوگاه جنین.

این بیانیه با امضای بیش از ۷۰ نفر از شخصیت‌های اهل قلم تهیه و در تارنماها و شبکه‌های مجازی منتشر شده است. ما بخاطر محتوای انسان‌دوستانه آن در همبستگی با خلق فلسطین و محکومیت حکومت صهیونیستی و متجاوز اسرائیل به انتشار آن مبادرت می‌کنیم.

بیانیه جمعی: کشتار وحشیانه در جنین را متوقف کنید!

«بامداد روز دوشنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۲ بیش از ۱۰۰۰ نفر از نیروی‌های نظامی رژیم اشغالگر اسرائیل همراه با ده‌ها تانک زرهی به شهر جنین، در کرانه باختری فلسطین، یورش بردند و به طرزی وحشیانه در اردوگاه بزرگ پناهجویان این شهر دست به کشتار زدند. در این یورش ۱۱ فلسطینی جان باختند، ۶۰ شهروند دیگر به شدت مجروح و ۲۰ فلسطینی بازداشت شده‌اند. در این تجاوز گسترده، آب و برق مردم قطع، خانه‌های آنها ویران و متجاوزین مانع رسیدن آمبولانس‌ها برای کمک به زخمی‌ها شدند. آنها حتی به خبرنگاران یورش بردند.

اگرچه «الی کوهن»، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی، در توجیه



رشد راسیسم و فاشیسم در آلمان

علل گرایش روزافزون مردم اروپا، از جمله در آلمان، به راست و در نتیجه قوی‌تر شدن هرچه بیشتر احزاب دست‌راستی و نژادپرست را، نظیر (ای اف دی AFD آلترناتیو برای آلمان) می‌توان به طور خلاصه در نکات زیر جستجو کرد:

ادامه و تشدید سیاست نئولیبرالی حکومت از طریق خصوصی‌سازی کلیه نهادهای دولتی، پایین نگهداشتن سطح دستمزدها، حذف کمک‌ها و بیمه‌های درمانی، اجتماعی، بیکاری، بازنشستگی و... که باعث عمیق‌تر شدن هر چه بیشتر دره میان فقر و ثروت گشته و بر خیل ناراضیان می‌افزاید.

یکجانبه‌نگری کلیه رسانه‌ها از طریق اشاعه دروغ و نفرت‌پراکنی و از این طریق ایجاد بی‌اعتمادی مفرط در میان مردم.

- تشدید سیاست میلیتاریستی و جنگ‌طلبی و در همین رابطه تحویل سلاح‌های بی‌حد و حصر به اوکراین و تشدید تنش و ناامنی در اروپا و در صورت ادامه یافتن، شاید هم در جهان.

افزایش بی‌وقفه بی‌اعتمادی مردم، بویژه جوانان نسبت به سیاستمداران، که به اکثر آنها به دیده لابی‌گر صنایع و کنسرن‌ها و موسسات بزرگ مالی می‌نگرند، نتیجه‌ای جز بی‌تفاوتی در مقابل سرنوشت کشور و مردم به دنبال نخواهد داشت. عملکرد دولت فعلی آلمان نمونه بارز چنین سیاست و روندیست، سیاستی که در عین حال باعث تقویت احزاب دست‌راستی به ویژه AFD در آلمان گشته است. زیرا حزب مذکور تقریباً تنها اپوزیسیون موجود در سیاست جنگی آلمان محسوب می‌شود.

مجموعه رسانه‌ها هر آنچه را که لازم دیدند، انجام دادند، تا تَرکِ بوجود آمده در جامعه را عمیق و عمیق‌تر سازند. در نتیجه

جنايات اخير اين رژيم اظهار داشته كه: «ما عملاً با نيروهاي نيابتي ايران در جنگيم»، لکن واقعيت اين است كه نيروهاي مقاومت فلسطيني نه به نيابت از ايران، بلكه در دفاع از حق تعيين سرنوشت خويش به پا خاسته‌اند و در شرايطي نوين اين مبارزه قهرمانانه را به پيش مي‌برند. امروزه، ۳ بخش از ملت فلسطين در غزه، کرانه باختری و داخل اسرائيل در هماهنگی و همبستگی با هم، جبهه مقاومت را گسترده‌تر ساخته‌اند.

اما چه اتفاقی افتاده است که اسرائیل اکنون این چنین بی‌محابا به عملیات جنایت‌بار خود شدت می‌بخشد؟ شواهد نشان می‌دهند که اسرائیل با واقعیت‌های جدیدی در جهان و با مناسبات ژئوپلیتیک منطقه رو به روست. دورانی که غرب و آمریکا، پشتیبانان اصلی رژیم اشغالگر و آپارتاید، در آن یک‌تازی می‌کردند، گذشته است. هژمونی آمریکا رو به افول و دنیا وارد مرحله نوینی در روابط میان کشورها، از جمله در غرب آسیا، شده است. آثار چنین تغییراتی را می‌توان در عادی‌سازی روابط میان عربستان و ایران، بازگشت سوریه به لیگ عرب و حتی امتناع امارات از ماندن در پیمان ابراهیم دید.

اسرائیل روند جهانی به سوی نظام چندقطبی، به ویژه صلح و همبستگی منطقه‌ای را تهدیدی علیه موجودیت خود می‌بیند و تجاوز خشن اخیر صهیونیست‌ها در عین حال که جهت حفظ موجودیت خود و کمک به آمریکا در تلاش برای درهم‌کوبیدن جبهه مقاومت منطقه با مشارکت چین و روسیه صورت می‌گیرد. اما نشانه استیصال این رژیم جنایتکار نیز هست. برعکس، نیروهای مقاومت فلسطین بیش از همیشه از پشتیبانی ملت فلسطین و هم‌چنین جبهه مقاومت منطقه و جامعه بین‌المللی برخوردار است.

در این شرایط، همبستگی خدشه‌ناپذیر وجدان‌های بیدار با مقاومت فلسطین در مقابل رژیم آپارتاید و اشغالگر رو به گسترش است.

با توجه به مراتب مذکور، ما امضاکنندگان این بیانیه یورش‌های وحشیانه صهیونیست‌ها را به شهر جنین و اردوگاه پناهندگان فلسطینی، شدیداً محکوم می‌کنیم و خواستار متوقف شدن فوری آن هستیم.»

پیروز باد مبارزات مردم فلسطین
پاینده باد همبستگی مردم ایران با مردم فلسطین *



سوئد قرآن سوزی را به دلیل عضویت در ناتو و باج دادن به «اردوغان» ممنوع می کند و نه به خاطر ممانعت از تحریک و تبعیض و توهین به مسلمانان

بار دیگر ادامه «قرآن سوزی» در سوئد با مجوز رسمی و چراغ سبز پلیس رقم خورد. اما اینبار برخلاف دفعات قبل، دولت سوئد زیر شدیدترین فشارهای خارجی قرار گرفته است. هفته گذشته یک مهاجر عراقی الأصل، که شهروندی سوئد را گرفته، با مجوز رسمی پلیس سوئد، در روز عید قربان آن هم در برابر مسجد جامع شهر استکهلم، اقدام به «قرآن سوزی» کرد که واکنش های منفی بسیاری در داخل و خارج از سوئد داشت. وزیر دادگستری سوئد در این رابطه اظهار میدارد که:

«سوئد در صدد است تغییراتی در قانون اعطای مجوز به اهانت کنندگان به قرآن ایجاد کند. دولت در حال بررسی و ارزیابی این قانون و ضررهای است که می تواند این گونه قوانین به امنیت و وجهه کشور بزند».

دولت سوئد دروغ می گوید عقب نشینی اش به دلیل فشارهای «دولت اردوغان» و ممانعت از عضویت اش در «ناتو» است و «نه اهانت و تحریک و سیاست اسلام هراسی». حتی اگر این قانون را به اجرا بگذارند، ولی سیاست اسلام هراسی و تبعیض مهاجران مسلمان ادامه خواهد یافت. حزب متحد دولت حاکم، حزب دمکرات های سوئد یک حزب نئوراسیستی است که بنیانگذارانش چند تن از فاشیست های هم دست حزب نازی

طبق همه پرسی «موسسه فرسا» امروز اکثریت انتخاب کنندگان AFD در آلمان را کارگران، کارمندان و بخشی از قشر متوسط میانسال جامعه تشکیل می دهند که اکثرشان در شهرهای کوچک زندگی می کنند و در شهرهای بزرگ کمترین طرفدار را دارد.

بحث رفرم قانون گرمایش مسکن یکی دیگر از دلایل نارضایتی بسیاری از مردم آلمان، به ویژه تهیدستان و اقشار کم درآمد است که باعث گرایش بیش تر آنها به سمت AFD گشته است، زیرا که قانون مذکور از یکسو لطمه شدید مالی به آنها خواهد زد و از سوی دیگر بسیاری از مردم، به حق و طبق داده های موجود بر این باورند که قانون جدید گرمایش مسکن نتیجه لابی گری آقای «هابک»، وزیر اقتصاد آلمان و اطرافیان اش است.

طبق همه پرسی دیگری که مؤسسه Infratest dimap انجام داده است، دو سوم از رأی دهندگان به AFD را معترضین به سیاست دولت فعلی آلمان تشکیل می دهند که نه به علت اعتقاد به خط مشی و ماهیت این حزب نئونازی، بلکه به علت نارضایتی از سایر احزاب به آن روی آورده اند. حتی بسیاری از این «رأی دهندگان معترض» خود به این حزب انتقاداتی دارند. امروز مقابله با حزب AFD برای سایر احزاب موجود، چه در قدرت و چه خارج از آن، مقدور نیست، مگر آنکه در سیاست نئولیبرالی تاکنونی و سیاست میلیتاریستی آنها در جنگ اوکراین تجدیدنظر جدی صورت پذیرد. بر عکس ادامه سیاست تاکنونی، که روز به روز بر شدت آن افزوده می گردد و بر مصائب موجود خواهد افزود، AFD را قوی تر خواهد کرد، کما اینکه تاکنون کرده است و نتیجه آن این بوده که این حزب در انتخابات محلی اخیر در ایالت «تورینگن» آلمان به عنوان قوی ترین حزب در یکی از شهرهای این ایالت از صندوق رأی بیرون آمده است. اولین شهردار در آلمان نیز در یکی از شهرهای ایالت زاکسن، از این حزب انتخاب شده است.

واقعیت این است که امروز اکثریت جامعه آلمان مخالف شرکت این کشور، آن هم با این وسعت، در جنگ اوکراین و تشدید تنش در بیخ گوش کشورشان هستند. مضافا اینکه تشدید جنگ، تحریم نفت و گاز روسیه و به طریق اولی کمبود انرژی، تورم و گرانی را باز هم بیش تر به ارمان خواهد آورد و مردم را باز هم فقیرتر خواهد کرد و بر خیل ناراضیان و به طریق اولی بر تعداد هواداران AFD خواهد افزود. *

بیانیه کمیته صلح سوئد در مورد اسلام هراسی و آتش زدن، قرآن کتاب مقدس مسلمانان

نویسنده «سیگین مدر»، عضو رهبری انجمن صلح

تفسیر قرآن سوزی

با قوانین فعلی می توان جلوی قرآن سوزی را گرفت! هر کسی می تواند ادیان، متون مقدس دینی را نقد و نظرش را بگوید، اما ما این متون مقدس را نمی سوزانیم؛ ما مثل نازی ها نیستیم!

من بر اساس موقعیتی که پیش آمد، استدلال نمی کنم، بلکه بر اساس اعتقاد در مورد سوزاندن به اصطلاح «کتاب مقدس» است. * من خودم اعتقادات دینی ندارم. آزادی بیان ما به بالاترین درجه تهدید شده است! با وضع قوانین جاسوسی خارجی، قوانین ترور و غیره توسط سیاستمداران و رسانه های کاملاً سازگار، که قدرت را بررسی نمی کنند، حق ما برای دانستن و آزادی بیان ما تهدید می شود! ما بدون بحث، بدون رفتارندوم و بدون اطلاعات متنوع به ناتو می پیوندیم. ما سیاست ایالات متحده را به طور کامل دنبال می کنیم. ایالات متحده در حال آغاز جنگ های غیرقانونی در عراق و افغانستان است که این کشورها را درهم می شکند. عراق دارای تحصیلات و مراقبت های بهداشتی بسیار خوبی بود، طبقه متوسطی بزرگ و تحصیل کرده. اکنون دولت یک «دولت شکست خورده» است و شبه نظامیان برای قدرت می جنگند و مردم به گرسنگی نزدیک می شوند، حتی اگر عراق اساساً کشوری بسیار ثروتمند است. بمب افکن های آمریکا این کشورها را درهم شکسته اند. شهرهایی مانند شهر «موصل» با قدمت چند هزار ساله، ویران شده اند.

در حقوق بین الملل به آن «مجازات دسته جمعی» می گویند.

ما گوانتانامو، بمباران سومالی و غیره داریم. این چیزی است که ما باید در مورد آن سکوت کنیم. جنایات جنگی ایالات متحده، بریتانیا و دیگران، ما باید در مورد آن سکوت کنیم. این هدف از قوانین جدید است. سوئد بی شرمانه از سیاست غیرقانونی ایالات متحده حمایت کرده و سربازان خود را به عراق، افغانستان و جنگ استعماری فرانسه در مالی فرستاده است. این جنگ ها سبب فرار مردم و موج پناهندگی شده اند.

وضعیت غیرقانونی «جولیان آسانژ» در حال فراموشی است. سوئد و چندین کشور دیگر در مورد تحقیقات خود در مورد انفجارهای «نورد استریم» کاملاً سکوت کرده اند. هیچ کس در بحث های طولانی در مورد «قرآن سوزی» به این جنبه ها نمی پردازد. همه چیز بیش تر و بیش تر طبقه بندی می شود. ما باید بخواهیم که ایالات متحده و دیگران به خاطر جنایات جنگی به دست عدالت سپرده شوند. حقیقت توسط سیاستمداران و رسانه های ما پنهان می شود. «قرآن سوزی» به عنوان مانور انحرافی نیز عمل می کند. انکار حقیقت همراه با قوانین جدید، آزادی بیان و حق ما برای دانستن را تهدید می کند! *

آلمان بودند که بعد از شکست ارتش نازی به سوئد فرار کردند.

«اسلام هراسی» و ریشه های آن

«اسلام هراسی»، که از ترکیب دو واژه «اسلام» و «فوبیا» ساخته شده و به ترس غیرعقلانی و اغراق آمیز از اسلام و پیشداوری علیه اسلام و مسلمانان اشاره دارد، پس از فروپاشی اتحاد شوروی و تک قطبی شدن جهان تحت سرکردگی آمریکا سربلند کرده است. غرب پس از اعلام پیروزی بر «کمونیسم و پایان تاریخ» اسلام و مسلمانان را به عنوان یک خطر جدی برای منافع خود، در مرکز توجه افکار عمومی قرار داد.

آمریکا برای استقرار «نظم نوین جهانی» عزمش را جزم کرده بود، تا به ممالک مسلمان نافرمان یورش ببرد، تا با کنترل بازار داخلی این کشورها و تسلط بر منابع داخلی آنها سلطه خود را بر سایر رقبای سرمایه داری اعمال کند. «اسلام هراسی» به عنوان یک حربه تبلیغاتی فرهنگی و سیاسی در قالب «جنگ تمدن ها» توسط پرفسور آمریکایی، «ساموئل هانتینگتون» فرموله و به خورد افکار عمومی داده شد. در واقع دکترین «اسلام هراسی» مکمل مداخلات نظامی امپریالیستی برای سرکوب «وحوش اسلامی غیرتمدن»، که گویا خطری جدی برای «تمدن» غرب به حساب می آمدند، به حرکت در آمد! این اعلان جنگ صلیبی علیه مهاجرین مسلمان و ملل آفریقا و خاورمیانه، که با هجوم و اشغال به افغانستان، عراق، لیبی، سومالی، مالی، سودان... آغاز شد یادآور بروز «یهود هراسی» و عروج نازیسم هیتلری در دهه ۳۰ میلادی بود. کشتار بیش از ۱۱ میلیون نفر و تاراندن ۶۵ میلیون نفر در طول ۲۳ سال ریاست جمهوری «جرج بوش»، «کلینتون» و «اوباما» نتیجه این جنگ صلیبی بود.

از اینرو باید عروج و رشد نئونازیسم و «اسلام هراسی» را در بستر بحران اقتصادی امپریالیسم غرب، تحت رهبری آمریکا، ژرفش بحران اقتصادی و بیکاری و جهانی شدن تولید سرمایه داری، رقابت و رشد میلیتاریسم و جنگ های بی پایان جستجو کرد. بنابر این حضور علنی و بی پروای جریانات نئونازیستی و نئوراسیستی در سپهر سیاسی جامعه سوئد و کسب اجازه برای تظاهرات در مناطق خارجی نشین و آتش زدن قرآن ربطی به آزادی بیان ندارد، بلکه یک سیاست حساب شده راسیستی و سرکوب گرانه است که دولت سالهاست دنبال می کند و باید در چهارچوب سیاست عمومی ممالک سرمایه داری امپریالیستی غرب و دکترین «جنگ تمدن ها» و قانونی کردن و مشروعیت بخشیدن به راسیسم و فاشیسم و توهین و تحقیر و سیاست جنگ صلیبی مورد تبیین قرار گیرد.

برای به عقب راندن این یورش بی شرمانه راسیستی و نئونازیستی وحدت همه مردم مترقی و نیروهای ترقی خواه، سوای رنگ و مذهب و نژاد و ملیت، امری حیاتی برای حفظ دست آوردهای دموکراتیک جامعه و آزادی بیان و اجتماعات است. *



پیام حزب کار ایران (توفان) به ششمین کنگره حزب کارگران تونس، حزب العمال - تونس

رفقای گرامی،

خبر خوشحال کننده برگزاری ششمین کنگره ملی شما به دست ما رسید. کنگره حزب انقلابی کارگران یک رویداد تاریخی است که موفقیت حزب در برافراشتن پرچم مبارزه طبقاتی را نشان می دهد. حزب کار ایران (توفان) به کمیته مرکزی و تمامی اعضا و هواداران حزب برادر تونس تبریک می گوید و به نمایندگان شرکت کننده در کنگره ششم درود می فرستد.

ما در این مراسم حضور نداریم، اما در این لحظه شادی بخش با شما هستیم، با شما علیه حاکمان سرمایه دار مرتجع تونس فریاد می زنیم و با شما برای سوسیالیسم پایکوبی می کنیم. ما رفقای مبارز حزب برادر تونس را در آغوش می کشیم.

کنگره شما در زیر پرچم «بله، ما پیروز خواهیم شد» برگزار خواهد شد. این بیانگر روحیه انقلابی رفقای مبارز کشور تونس هست که در شرایط سخت علیه طبقه حاکم سرمایه دار مرتجع و تحت حمایت قدرت های امپریالیستی مبارزه می کنند. مردم شجاع تونس، اعم از زن و مرد، رژیم دیکتاتوری «بن علی» را سرنگون کردند و در برقراری آزادی و عدالت اجتماعی برای جامعه گام برداشتند. رژیم های ارتجاعی، که قدرت را به دست گرفتند، بارها تلاش کردند تا جنبش انقلابی مردم را خفه کنند، اما مبارزات توده ها آنها را مجبور به عقب نشینی کرد. کودتای اخیر در تونس که توسط مردم انقلابی



به مناسبت ششمین سالگرد درگذشت رفیق «مهپاره آهنی»

۶ سال از درگذشت رفیق نازنین ما، «مهپاره آهنی» از فعالین حزب کار ایران (توفان)، می گذرد.

رفیق «مهپاره آهنی»، مه پاره ای از آهن بود، مه پاره ای از تبار کُرد که با همسر آذربایجانی اش از وحدت ایران و حقوق خلق های ایران حمایت می کرد. وی ضامن پیروزی را در وحدت طبقه کارگر و نه در تفرقه ملی آنها می دید. وی مرگ خود را با تدارکی آگاهانه برای بسیج عمومی مردم، برگزار کرد و ما می گوئیم که رفیق «مهپاره» تلاش تو سراپا موفقیت بود.

رفیق «مهپاره»، گوهری بود که راه رستگاری مردم ایران را برچیدن نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی به دست کارگران و زحمتکشان ایران و استقرار آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم می دید.

با الهام از آرزوی «مهپاره»، «صندوق بنیاد غیرانتفاعی مهپاره» تأسیس گردید و کمک های این بنیاد به فعالین کارگری و هموطنان نیازمند همچنان ادامه دارد.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

بیانیه حزب کمونیست کارگران فرانسه در مورد قتل یک جوان فرانسوی توسط پلیس

نه به خشونت پلیسی، نه به مصونیت پلیس از مجازات! بار دیگر، یک جوان به دلیل «عدم تسلیم به دستور پلیس» کشته شد. این اتفاق در صبح روز ۲۷ ژوئن در (نانتِر) Nanterre رخ داد و حادثه توسط رهگذران فیلمبرداری شد. این فیلم به طور گسترده انتشار یافت و این روایت پلیس را که جان وی توسط آن جوان به خطر افتاده بود، بی اعتبار می کند.

در سال ۲۰۲۲، پلیس با استناد به قانون «دفاع از خود» ۱۳ نفر را به قتل رساند. همانطور که محققان جامعه‌شناسی به تجزیه و تحلیل این پدیده انفجاری پرداخته‌اند، قانون استفاده پلیس از سلاح، به ویژه تغییرات سال ۲۰۱۷ در قانون بکارگیری سلاح توسط پلیس، محور اصلی این پدیده را تشکیل می دهد. همانطور که سازمان‌های دموکراتیک و چندسیاستمدار به درستی بیان کرده‌اند، «عدم تسلیم به دستور پلیس» مجوزی برای قتل نیست. رئیس پلیس شهر پاریس می گوید که منتظر نتایج تحقیقات است. او از محکوم کردن این جنایت توسط پلیس خودداری می کند.

ماه‌هاست که خشونت پلیس به ویژه بر علیه جوانان چندین محله افزایش یافته است. همانطور که ساکنان «نانتِر» آن را به شدت محکوم کرده‌اند، بیش از یک هفته است که کنترل و تحرکات پلیس در «نانتِر» چند برابر شده است. این خشم ساکنان و جوانان محلات کارگری را، که قبلاً به صورت خودجوش بسیج شده‌اند، توضیح می دهد.

حزب ما در این خشم شریک است. ما از رفقا و دوستان «نانتِر» می خواهیم در راهپیمایی‌ها و تظاهراتی که خشونت پلیس علیه جوانان را محکوم کرده و با قربانیان و خانواده های آنها ابراز همبستگی می کند شرکت نمایند.

حزب کمونیست کارگران فرانسه
پاریس، ۲۷ ژوئن ۲۰۲۳ *

و آزادی خواه جهان محکوم شد، تلاشی برای از بین بردن دست آوردهائی است که از زمان انقلاب ۲۰۱۱ با فداکاری جسورانه مردم تونس به دست آمده است.

رفقای عزیز،

توطئه‌های مرتجعین امپریالیستی و صهیونیستی در منطقه شدت یافته‌اند. هدف آنها از بین بردن جنبش‌های انقلابی، پایان دادن به مبارزات برای تعیین سرنوشت، تقویت روابط خود با نیروهای ارتجاعی و قدرت‌های حاکم در منطقه و غارت بیش تر منابع غنی کل منطقه است. حزب کار ایران (توفان) به مبارزات خستگی ناپذیر رفقای تونس علیه نیروهای امپریالیستی و صهیونیستی، که نه تنها مردم منطقه، بلکه مردم سراسر جهان را تهدید می کنند، ارج می نهد.

حزب ما در محکومیت هرگونه تلاش رهبران مرتجع منطقه برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی، شانه به شانه در کنار رفقای حزب کارگران تونس ایستاده است. هیچ سازمانی بدون حمایت قاطعانه از مبارزات مردم فلسطین علیه صهیونیسم جنایتکار، محتوای انقلابی نخواهد داشت.

مانند همیشه، حزب کار ایران (توفان) همبستگی خود را با طبقه کارگر جهان ابراز می دارد؛ از مبارزات مردم تحت ستم علیه سیاست‌های نئولیبرالی نظام سرمایه داری و برای رهایی بشریت حمایت می کند و خود را در کنار رفقای تونس می بیند. ما همراه مارکسیست-لنینیست‌های تونس و جهان در مبارزه بین‌المللی طبقه کارگر برای رهایی از استثمار و ستم امپریالیسم و برای استقرار دموکراسی انقلابی و سوسیالیسم، شرکت داریم. برای شما در کار کنگره ششم حزب تان آرزوی پیروزی داریم!

زنده باد ششمین کنگره حزب کارگران تونس، حزب العمال- تونس!

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

حزب کار ایران (توفان)
جولای ۲۰۲۳ *



ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

شیوه تولید

۱- تولید مادی

بنیاد زندگی اجتماعی بر تولید مادی است، یعنی تولید نعمی که انسان برای زندگی بدان‌ها نیازمند است. انسان این نعم مادی را، نه بطور انفرادی، بلکه جمعی و اشتراکی با کار خود تولید می‌کند. از اینرو تولید مادی همواره و در کلیه شرایط، اجتماعی است، «کار» نیز خصلت اجتماعی دارد، زیرا این فعالیت انسانی است که در اجتماع به‌سرمی‌برد.

«کار» به معنی وسیع آن، صرف نیروی انسانی است، فعالیتی است از روی شعور و به خاطر نیل به هدف معین، که در جریان آن اشیاء و مواد طبیعت به کمک وسائل کار و متناسب با نیازمندی‌های انسان تغییر شکل می‌دهند. کار و زحمت شرط لازم و ضروری موجودیت و زندگی انسان و ممیز انسان از حیوان است.

«کار» سه عامل را دربرمی‌گیرد: نخست «فعالیت آگاهانه انسان به خاطر نیل به هدف معین»، دوم «موضوع کار»، که فعالیت انسان بر روی آن انجام می‌گیرد، سوم «افزار کار»، که به کمک آنها

موضوع کار متناسب با احتیاج انسان تغییر شکل می‌یابد. مثلاً نجار با صرف نیروی خود چوب (موضوع کار) را به کمک اره، رنده و... (افزار کار) بصورت میز یا صندلی و غیره درمی‌آورد.

تولید مادی مستلزم کار و زحمت، مستلزم ارتباط متقابل انسان و طبیعت است. مستلزم آنست که انسان از طبیعت مواد لازم برای تهیه‌ی مایحتاج خود را بدست آورد. «کار»، بنا به گفته مارکس، عبارتست از «پروسه‌ای که میان انسان و طبیعت جریان می‌یابد». این است که در پروسه کار، انسان نه تنها طبیعت، بلکه خود را نیز تغییر می‌دهد. طبیعت که جامعه را در میان گرفته یا به عبارت دیگر محیط جغرافیائی جامعه، بنیاد طبیعی تولید مادی است. شرایط طبیعی بر حسب نقشی که در تولید مادی و تکامل آن بازی می‌کنند بر دو نوع‌اند: یکی ثروت‌های طبیعی، که وسائل موجودیت انسان را فراهم می‌آورند، مانند حاصل‌خیزی زمین، و فور ماهی در آب‌ها یا شکار در جنگل‌ها و غیره، دیگر ثروت‌های طبیعی، که از آنها وسائل تولید ساخته می‌شود، مانند چوب، فلزات، نفت، ذغال، رودخانه و غیره. در مراحل پائین تکامل جامعه ثروت‌های نوع اول دارای اهمیت بسیاری می‌باشند و در درجات تکامل عالی جامعه ثروت‌های نوع دوم.

در مراحل بدوی تکامل جامعه، در دورانی که وسائل تولید مدارج اولیه تکامل خود را می‌پیمود، امکانات استفاده از ثروت‌های نوع دوم کم بود و شرایط طبیعی نوع اول تأثیر عمیقی بر تولید و نوع آن می‌گذاشت. چنانکه در سرزمینی که امکان اهلی کردن حیوانات وجود داشت، دامپروری بوجود می‌آمد، در آنجا که شرایط برای بهره‌برداری از زمین مساعد بود، کشاورزی بسط می‌یافت.

با رشد وسائل تولید به تدریج ثروت‌های نوع دوم بیش از پیش کشف شد و مورد استفاده قرار گرفت. در حال حاضر این ثروت‌ها برای رشد و تکامل جامعه و حتی برای استفاده کامل از ثروت‌های نوع اول اهمیت فوق‌العاده دارد. باید دانست که درجه استفاده از ثروت‌های طبیعی، وابسته به رشد وسائل تولید و به رشد تکنیک است، ولی در عین حال وابسته به نظام اجتماعی نیز هست. هر اندازه نظام اجتماعی پیش‌تر و کامل‌تر به سود توده‌های مردم گردد، به

facebook

TOUFAN.HEZBEKAR

گشت‌وگذار در فیسبوک، پاسخ به

یک پرسش

پرسش: با سلام خدمت دست‌اندرکاران توفان. من هنوز درست نفهمیدم که حزب شما با این سابقه تاریخی چرا از رژیم آدمکش اسد و مداخله جناح دیگر امپریالیستی نظیر روسیه و یا مداخله ایران در سوریه حمایت می‌کند. سگ زرد برادر شغال است. رفقا از رژیم جنایت‌پیشه اسد حمایت نکنید! کمونیست‌ها حق ندارند از یک جناح در مقابل جناح دیگر حمایت کنند. آیا وضعیت کنونی سوریه را ناشی از ماهیت دیکتاتوری اسد نمی‌بینید؟ ممنون میشم از پاسخ‌تان. امضا. مصطفی - کرج

پاسخ: دوست عزیز، تشکر از نامه‌تان. ابتدا مختصراً به ریشه اصلی بحران و علل جنگ تجاوزکارانه علیه سوریه می‌پردازیم، سپس به بقیه پرسش‌های شما کوتاه اشاره می‌کنیم.

مطابق «رابرت اف کندی»، وکیل امریکائی و برادرزاده «جان اف کندی»، رئیس جمهور اسبق امریکا، «امریکا پس از آن که «اسد» از پروژه احداث خط لوله گاز دولت قطر حمایت نکرد، تصمیم به برکناری وی گرفت. این پروژه ۱۰ میلیارد دلاری نخستین بار در سال ۲۰۰۰ مطرح شد و سرویس اطلاعاتی امریکا (سیا) این طرح را پیگیری کرد، تا آنکه ۹ سال بعد «اسد» اعلام کرد که از طرح خط لوله، که به موجب آن قطر می‌توانست از طریق پایانه‌های ترکیه، مستقیماً به بازارهای انرژی اروپا دسترسی داشته باشد، حمایت نمی‌کند. این خط لوله همچنین به عربستان سعودی امکان می‌داد نفوذ بیش‌تری را در منطقه علیه ایران اعمال کند. مردم امریکا از سابقه مداخله خشونت‌آمیز امریکا در سوریه اطلاع چندانی ندارند. تا زمانی که مردم و سیاست‌گذاران امریکا از این پیشینه آگاهی نداشته باشند، دخالت‌های بیش‌تر تنها به پیچیده‌تر کردن بحران کمک می‌کند. جنگ ما علیه «بشار اسد» از اعتراضات صلح‌آمیز مردمی موسوم به بهار عربی در سال ۲۰۱۱ آغاز نشد، بلکه از سال ۲۰۰۰ و هنگامی که قطر پیشنهاد احداث خط لوله ۱۰ میلیارد دلاری به طول هزار و ۵۰۰ کیلومتر را از طریق عربستان سعودی، اردن، سوریه و ترکیه مطرح کرد، آغاز شد. میدان گازی پارس جنوبی

یقین از منابع طبیعی استفاده بیش‌تری به عمل خواهد آمد. بدین ترتیب محیط جغرافیائی بر تولید مادی و تکامل زندگی مادی جامعه تأثیر می‌بخشد و در نتیجه، این تکامل می‌تواند با سرعت بیش‌تری جریان یابد یا برعکس به کندی پیش رود. اما محیط جغرافیائی عامل تعیین‌کننده تولید مادی و تکامل جامعه نیست. به کمک عوامل جغرافیائی مثلاً نمی‌توان این نکته را توضیح داد که چرا در یک سرزمین، که شرایط طبیعی در آن تقریباً یکسان باقی می‌ماند، تغییرات بنیادی و عمیقی در جامعه روی می‌دهد، چرا جوامعی که تحت شرایط جغرافیائی گوناگونی به‌سر می‌برند در تکامل خود از مراحل یکسانی می‌گذرند، مراحلی که دارای ساختمان اجتماعی معین و شعور اجتماعی معین می‌باشند؟ محیط جغرافیائی در توضیح این مطلب ناتوان است که چرا در جامعه طبقات گوناگونی وجود دارند که دارای منافع مختلف و جهان‌بینی، افکار و آرمان‌های گوناگون هستند. وانگهی محیط جغرافیائی تقریباً ثابت و تغییرات آن در طول هزاران سال بسیار کند و ناچیز است در حالی که دگرگونی‌های جامعه به مراتب سریع‌تر و عمیق‌تر روی می‌دهد. چگونه می‌توان به کمک عاملی تقریباً ثابت تغییرات سریع و عمیق پدیده‌ای را بیان کرد؟

«طی سه هزار سال در اروپا سه رژیم اجتماعی مختلف عوض شد: رژیم اشتراکی اولیه، رژیم بردگی، رژیم فئودال. در همین مدت در قسمت شرق اروپا یعنی در شوروی حتی چهار رژیم عوض شد و حال آنکه در دوران مذکور شرایط جغرافیائی اروپا به هیچ‌وجه تغییر نکرد و یا تغییرات‌اش تا آن درجه ناچیز بود که جغرافیا از ذکر آنها خودداری می‌ورزد...» «از اینجا نتیجه می‌شود که محیط جغرافیائی نمی‌تواند سبب عمده و سبب تعیین‌کننده تکامل اجتماعی باشد، زیرا آن چیزی که در طی ده‌ها هزار سال تقریباً بدون تغییر می‌ماند، نمی‌تواند سبب عمده تکامل چیزی گردد که طی چند صد سال دست‌خوش تغییرات اساسی می‌شود». (استالین: ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی)

علاوه بر محیط جغرافیائی رشد جمعیت و تراکم آن در تولید مادی و تکامل جامعه موثر است. در شرایط مساوی، رشد جمعیت و شدت و ضعف تراکم آن می‌تواند تکامل جامعه را آسان کند و سرعت بخشد و یا برعکس دشوار و بطی گرداند. مثلاً در شرایط رشد جمعیت و تراکم آن امکانات بیش‌تری برای تکامل تولید، افزایش تقسیم کار و توسعه روابط اقتصادی فراهم می‌آید، با توجه به این امر که این امکانات ممکن است به تحقق نپیوندند. چنانکه در دوران فئودالیسم، تقسیم کار و روابط اقتصادی و بنابر این تکامل تولید حتی در نقاطی که تراکم جمعیت زیاد بود، دامنه چندانی نداشت، برعکس در دوران سرمایه‌داری این تقسیم کار و روابط اقتصادی حتی در نقاط کم جمعیت نیز وسیع و دامنه دار است، یا اینکه در نقاط پر جمعیت طرق ارتباطی (جاده‌ها، راه آهن، حمل و نقل رودخانه‌ای) معمولاً بیش‌تر و سریع‌تر بسط می‌یابد، ولی از این امر نتیجه نمی‌شود که عامل تعیین‌کننده بسط و گسترش طرق ارتباطی جمعیت و تراکم آن است، زیرا در آن کشورهای آسیائی، که در آنها تراکم جمعیت از بسیاری از کشورهای پیشرفته بیش‌تر است، بسط طرق ارتباطی بسیار ناچیز است. *

دغدغه خاطر امپریالیست‌هاست؟

طبیعی است که امپریالیست‌های جنایتکار، که میلیون‌ها انسان را در سراسر کره خاکی به قتل رسانده‌اند و هنوز هم سرزمین‌های کره، سوریه، عراق و... در اشغال خویش دارند، نمی‌توانند از کشتار انسان‌ها وجدانی معذب داشته باشند. کسانی که دوبار بعد از خاتمه جنگ، بمب اتمی را برای نابودی انسان‌ها به یاری گرفته‌اند، کسانی که با بمب ناپالم میلیون‌ها ویتنامی، کامبوجی و کره‌ای را کشته‌اند و با بمب‌های اورانیومی یوگسلاوی، عراق و افغانستان را بمباران و آلوده کردند، هرگز نمی‌توانند وجدانی آسوده و انسانی داشته باشند. ناموس آنها کسب سود حداکثر است و برای کسب آن هدف، به هر جنایتی تن درمی‌دهند.

امپریالیسم آمریکا برای سیطره بر جهان و محاصره روسیه و چین، و کنترل اروپا از طریق تسلط بر منابع انرژی و مواد اولیه، به آن نیاز دارد که پشت جبهه خویش را تقویت کند و حلقه محاصره رقبای خود را تنگ‌تر نماید. این سیاست راهبردی به آنجا منجر شده است که امپریالیست آمریکا با پنهان شدن در پشت حقوق بشر، حقوق ملت‌ها را به زیر پا می‌گذارد و احترام هیچیک از قوانین بین‌المللی را محفوظ نمی‌دارد. آنها برای نیل به اهدافشان اپوزیسیون‌سازی می‌کنند و تحت نام «دفاع از حقوق بشر» با «مداخله بشردوستانه» بدون مجوز حکومت قانونی سوریه، عضو رسمی سازمان ملل، وارد خاک سوریه می‌شود و با همدستی نیروی ناسیونال‌شونیست کرد نفت شمال سوریه را غیرقانونی می‌دزدد و به ممالک اروپایی می‌فروشد. شما در این مورد چه می‌گوئید؟

ارتش متجاوز ترکیه نیز تحت نام «امنیت مرزی» بخشی از خاک سوریه را اشغال می‌کند و تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی سوریه را نقض می‌کند؛ شما در این مورد مشخص چه می‌گوئید و کجا ایستاده‌اید؟

می‌گوئید «روسیه و ایران هم خاک سوریه را به اشغال خود درآوردند، بنابر این متجاوزند و باید همانند آمریکا خاک سوریه را ترک کنند؟! متأسفانه هنوز متوجه نشده‌اید که حکومت سوریه، حکومتی مستقل است که سالیان طولانی همکاری سیاسی تجاری و نظامی با ایران و روسیه داشته و دارد و بر حسب منافع ملی‌اش برای نجات کشور از دست آدم‌خوران داعشی، این پیاده نظام آمریکا، از هم‌پیمانان خود، روسیه، ایران، لبنان و جبهه خلق برای آزادی فلسطین (جنبش جرج حبش، جنبش چپ فلسطین) درخواست نمود تا در مقابل وحوش داعش و یورش جبهه متجاوز غرب، که آهنگ سرنگونی حکومت را کرده‌اند، وارد خاک سوریه شوند و متحداً علیه متجاوزین به‌جنگند. جبهه متحد ضدتجاوز سوریه سرانجام داعش را درهم کوبید و بیش از ۹۰ درصد از خاک خود را از دست متجاوزین آزاد کرد و این نبرد هنوز ادامه دارد. ارتش‌های متجاوز آمریکا و ترکیه هنوز در خاک سوریه حضور دارند و باید گورشان را گم کنند. شما در این رابطه چه می‌گوئید و در کجا ایستاده‌اید؟ آیا هنوز متوجه نشده‌اید که سرنگونی حکومت سوریه یک امر داخلی است و حکومت مستبد و سرمایه‌داری باید توسط خود مردم سوریه به‌زیر کشیده شود و نه توسط دول خارجی؟

امید که توضیحات ما در همین حد موجب رضایت شما شده باشد، برایتان موفقیت آرزو می‌کنیم. *

(گنبد شمالی)، غنی‌ترین میدان گازی طبیعی در جهان بین ایران و قطر مشترک است. تحریم‌های تجارت بین‌المللی تا همین اواخر ایران را از فروش گاز به کشورهای خارجی منع می‌کرد. در عین حال، گاز قطر تنها در صورتی می‌تواند به کشورهای اروپایی برسد که تبدیل به مایع و از طریق دریا حمل شود. مسیری که ظرفیت را محدود می‌کند و هزینه‌ها را افزایش می‌دهد. خط لوله پیشنهادی، قطر را از طریق پایانه‌های توزیع ترکیه مستقیماً به بازارهای اروپایی متصل می‌ساخت. ترکیه از این طریق می‌توانست هزینه‌های ترانزیت را به جیب بزند. خط لوله مشترک قطر - ترکیه سلطه قطعی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بر بازارهای گاز طبیعی را موجب می‌شد و قطر، نزدیک‌ترین متحد آمریکا در جهان عرب را قوی‌تر می‌ساخت. دو پایگاه نظامی عظیم امریکایی و مقررماندهی مرکزی آمریکا در خاور میانه، در کشور قطر واقع شده است... اینهاست دلایل اصلی بحران سوریه و جنگ نیابتی که غرب و جبهه متحدش آغاز کرد و با شکست روبرو شد.

دوست عزیز! شما متأسفانه در دام تئوری‌های ارزان‌قیمت و انتزاعی گرفتار آمده‌اید و تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک و مداخلات ویرانگر امپریالیستی غرب در سوریه را نمی‌بینید و براساس «استبداد و حقوق بشر» و در نهایت تئوری «نزاع دو قطب امپریالیستی»، که نه سیخ بسوزد و نه کباب، ارزیابی می‌کنید و در مقابل حوادث پیچیده سیاسی خلع سلاح شده‌اید. کمونیست‌ها بر اساس مارکسیسم - لنینیسم رویدادهای جهان را از منظر مبارزه طبقاتی و ملی و ضداستعماری و ضدامپریالیستی بررسی کرده و تعیین می‌کنند که گرایش مبارزاتی که در جریان است در ادامه خود بطور عینی به کدام جبهه و طبقه اجتماعی خدمت می‌کند.

اینکه گفته شود «رژیم اسد» مستبد است و یازندان‌های مخوف دارد که مخالفان را در آن اسارتگاه‌ها بدون حمایت حقوقی محاکمه و محکوم می‌کند، اینکه بگوئیم «رژیم اسد» نظام تک‌حزبی بعث را در طی بیش از نیم قرن در سوریه مستقر ساخته و مخالفان را سرکوب نموده است، اینکه بگوئیم «رژیم اسد» جنبش فلسطین را در گذشته به خاک و خون کشانده است، اینکه بگوئیم «رژیم اسد» با امپریالیست آمریکا بر سر اعتراف‌گیری از اسرای سوری وابسته به القاعده همکاری می‌کرده است و... اگر ناشی از اظهارفضل‌های ژورنالیستی و بی‌بو و خاصیت نباشد، اگر ناشی از آشفته‌فکری و کج‌فهمی مبارزه طبقاتی نباشد، اگر ناشی از کوتاه‌نظری سیاسی نباشد، اگر ناشی از تحلیل نادرست سیاسی نباشد، مسلماً ناشی از آگاهی و همدستی با امپریالیست و تحقق سیاست ضدبشری است که امپریالیست‌ها می‌خواهند به زور به همه ممالک جهان تحمیل کنند.

امپریالیست‌ها مدعی می‌شوند که «رژیم اسد» حقوق بشر را به‌زیرپامی‌گذارد، «رژیم اسد» مستبد است، «رژیم اسد» اپوزیسیون را در داخل سوریه سرکوب می‌کند، «رژیم اسد» فاسد است و... حتی اگر همه این مواردی، که امپریالیست‌ها به یکباره یادشان آمده و تکرار می‌کنند، درست باشد، باید پرسید؛ مگر رژیم عربستان سعودی، رژیم‌های امارات متحده عربی، رژیم کویت، رژیم بحرین، رژیم اردن، رژیم مراکش و... این متحدان امپریالیست‌ها، همه دمکرات و انقلابی تشریف دارند؟ که وجدان امپریالیست‌ها جریحه‌دار شده است؟ از کی تا به حال نقض حقوق بشر موجب

توسط جمهوری اسلامی میدان خواهیم داد. روشن است این امر به هیچوجه به معنای تأیید اندیشه و عملکرد سیاسی زندانیان نیست.

جهت آشنائی با مواضع سیاست حزب ما در اینگونه موارد به اطلاع تان می‌رسانیم که حزب ما یکی از نخستین جریان‌های سیاسی در عرصه ایران بود که به رغم مخالفت عمیق با سران رژیم سلطنتی و همینطور مشی رویزیونیستی و مواضع فاجعه‌بار «حزب توده و سازمان فدائیان اکثریت» در همدستی با رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در سرکوب انقلابیون، دستگیری و شکنجه آنها را در بی‌دادگاه جمهوری اسلامی محکوم کرد و از حقوق‌شان دفاع نمود.

درس‌آموزی از شرایط مشخص تاریخی انقلاب بهمن و از اشتباهات بسیاری از جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی آن زمان و پرهیز از حقوق دمکراتیک بورژوازی در بعد از انقلاب بهمن، و بی‌تفاوتی نسبت به حقوق مسئولین سیاسی، اقتصادی و نظامی رژیم سرنگون شده پهلوی و تأیید شکنجه و اعدام مخفیانه و با شتابی سوءظن‌برانگیز، بدون رعایت اصول برسمیت شناخته شده قضائی و انسانی کنوانسیون ژنو و حقوق بشر عملاً زمینه‌ساز برخورد و اعمال وحشیانه‌تری نسبت به نیروهای انقلابی، چپ، ملی و دمکرات گردید. باید از این اشتباهات درس بگیریم. ما نمی‌توانیم با شکنجه جسمی و روانی هر مخالف رژیم حتی به خاطر همدستی آنها با محافل امپریالیستی و صهیونیستی موافق باشیم و پایمال کردن حقوق‌شان را به عنوان یک زندانی به رسمیت بشناسیم؛ چنین سیاستی، انحرافی و نادرست است.

زندانیان سیاسی سوای عقیده انقلابی یا ضد انقلابی، کمونیست یا غیر کمونیست باید در یک دادگاه صالحه، با حضور وکلای مدافع به صورت علنی و با حضور خبرنگاران و شرکت رسانه‌های عمومی محاکمه شوند و هر حکمی بر مبنای اصول و ضوابطی صادر گردد. احکام خودسرانه و بدون منطق و انتقام‌جویانه، سنتی را در عرصه قضائی به جای می‌گذارد که به وسیله آن راحت‌تر می‌شود در درجه اول کمونیست‌ها را سربرید. اگر جرم محاربه با خدا و مفسد فی الارض ارزش حقوقی داشته باشد و صدور احکام اعدام را مجاز بدارد، وای به روز کمونیست‌ها، که هم کُتب‌شان ضاله است و هم از نظر فلسفی به تقدم ماده بر شعور ایمان دارند و هستی جهان را محصول دست خالق به نام خدا نمی‌شناسند. کمونیست‌ها



با توفان همراه شوید

@TOTUFAN

پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: با سلام و عرض ادب و خسته نباشید به دوستان زحمتکش و محترم توفان. یک پرسشی دارم در مورد دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی، که وابستگی و یا گرایش به گروه‌های بهائی و یهودی و امپریالیستی و حتی دشمنان درجه یک مردم یعنی آمریکا و اسرائیل دارند. آیا حزب شما به عنوان یک حزب کمونیستی از این نوع زندانی سیاسی هم حمایت می‌کند؟ لطفاً محبت فرمائید به پرسش پاسخش دهید. با تشکر. امضا: بابک - کانادا

پاسخ: با تشکر از پرسش تان. اجازه بدهید مشخص و روشن صحبت کنیم.

یکم اینکه باید همه اعمال و بیان نظرات سازمان‌ها و افراد و شخصیت‌ها را در کادر سیاسی و منافع طبقاتی و ملی ارزیابی کنیم و نه بر اساس دین و مذهب؛ فرقی نمی‌کند کدام مذهب، زیرا همه مذاهب صرف نظر از قدمت و کثرت آنها چیزی جز بیان جهل و خرافات نیستند. جهان کنونی، جهان سرمایه‌داری امپریالیستی و بر اساس سلطه سرمایه مالی می‌چرخد و نه بر اساس دین یهود یا بهائی و مسیحیت.

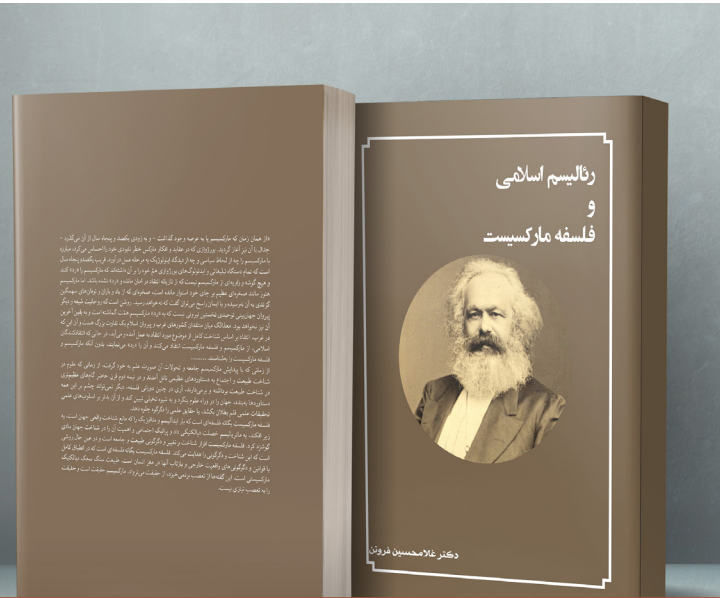
دوم اینکه در برخورد به اپوزیسیون ارتجاعی، حتا عوامل امپریالیسم، عناصر رژیم‌های شاه و شیخ و رفرمیست‌ها و جریان‌های بورژوازی رنگارنگ، که در زندان گرفتارند، حقوق‌شان را باید به طور روشن و شفاف برسمیت بشناسیم، در غیر اینصورت به خودسری‌ها و پایمال کردن حقوق اولیه همه شهروندان، بویژه رادیکال‌ترین نیروهای ترقی‌خواه اجتماعی

پرسش می‌برد. حزب ما به هیچوجه برای آزادی یک سرکرده سلطنت طلب، که در ترور افراد بیگناه شرکت داشته و کشتار کرده است، پرچمی بلند نخواهد کرد. اینگونه افراد باید طبق قانون و با حفظ تمام حقوق یک زندانی محاکمه شوند. ما با هرگونه شکنجه جسمی و روحی زندانیان مخالفیم و آن را محکوم می‌کنیم.*

در واقع، قبل از محاکمه به جرم خویش، اعتراف کرده‌اند و همه آنها مستوجب اعدام هستند؛ همه آنها محارب با خدا و مفسد فی الارض‌اند. برای ما آن روز روشن بود که بیان جرم به این صورت، آنهایی را مورد نظر قرار نمی‌دهد که بر صندلی اتهام نشسته‌اند، بلکه ما را مورد نظر دارد که فعلاً در بیرون دادگاه ایستاده‌ایم و صندلی‌ها زیر پایمان است. آخوندها در این دادگاه چاقوهای خویش را برای بریدن سر کمونیست‌ها تیز می‌کردند.

سوم اینکه، هر عملکرد و اتخاذ موضع سیاسی ارتجاعی می‌تواند به نفع امپریالیسم و صهیونیسم تمام شود، لیکن این عملکرد سیاسی یا این اقدام و یا آن اقدام انحرافی هنوز به درجه‌ای از تکامل نرسیده است که بتواند به عنوان یک پدیده سیاسی ارتجاعی و ضد ملی در یک فرد یا گروه حاکم و غالب گشته باشد. از اینرو باید این امر دیالکتیکی، پروسه تکوین رشد پدیده از کمیت به کیفیت را مورد توجه قرار داد.

در غیر این صورت به سادگی می‌توان عملکرد تبهکارانه رژیم نسبت به انقلاب و مردم را به عنوان دلیلی بر «سلطه امپریالیسم و صهیونیسم» در ایران تلقی کرد و همه حرکات و فعل و انفعالات سیاسی داخلی و منطقه‌ای و جهانی رژیم کلاً جنبش‌های سیاسی و احیای سرمایه‌داری در ممالک سابقاً سوسیالیستی (قبل از بروز سلطه رویونیسم) را ناشی از سیاست مرموزانه، شیطانی و توطئه بهائیت، یهودیت و صهیونیسم دانست و با یک چرخش قلم به همه پیچیدگی‌های مسائل سیاسی به سادگی پاسخ داد. اما حزب ما ضمن دفاع از حقوق دمکراتیک همه زندانیان سیاسی، پرچمدار دفاع نظری و سیاسی از زندانیان سیاسی نیست، که علناً از تحریم و حتی تجاوز و مداخله نظامی به ایران حمایت می‌کنند و حتی از درون زندان با جریانات راست و ارتجاعی ممالک اروپائی و آمریکائی در تماس هستند و مبلغ «انقلاب رنگی» و بر ضد منافع ملی میهن ما عمل می‌کنند. برخی از زندانیان سیاسی متهم به جاسوسی و یا به خاطر اقدامات تروریستی گرفتار هستند و طبیعتاً باید از حقوق‌شان دفاع کرد، اما نگاه ما به فعالین کارگری، معلمین، دانشجویان و فعالین مدنی و مستقلی، که به خاطر آزادی‌های سیاسی، دمکراسی و عدالت اجتماعی در زندان به سر می‌برند، متفاوت است. عدم تمیز و تفکیک ماهیت زندانیان سیاسی و یکسان قرار دادن آنها با افراد و محافل بودار سیاسی، که برای اسارت ایران و وابستگی به خارج فعالیت می‌کنند، استقلال سیاسی و شخصیت طبقاتی حزب ما را به زیر



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتنی با ما تماس حاصل فرمائید



از انتشارات حزب کار ایران (توفان) جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کلایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کلایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کلایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کلایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب

POSTBANK

bank code 20110022

bank account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

P.O. BOX 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Fax: 00496996580346